

زندگی نامه حمورابی قانونگذار



مقاله ای از شهریار اقدام شرق

جهان پیش از حمورابی

هزاران سال پیش از آنکه نام حمورابی در تاریخ ثبت شود، سرزمینی که امروزه آن را عراق می شناسیم، میزبان یکی از شگفت انگیزترین تمدن های جهان بود.

در میان دو رود بزرگ دجله و فرات، دشتی حاصلخیز گسترده شده بود که بعدها میان رودان نام گرفت و بسیاری از تاریخ نگاران آن را گهواره تمدن بشری می دانند.

در زمانی که بخش بزرگی از جهان هنوز در قالب قبایل کوچک زندگی می کرد، مردم این سرزمین شهرهایی بزرگ بنا کرده بودند، نظام های حکومتی ایجاد کرده بودند، قوانین می نوشتند، معابد باشکوه می ساختند و با اختراع خط، نخستین گام های تاریخ مکتوب را برمی داشتند.

تقریباً هر جنبه از تمدنی که امروز برای بشر بدیهی به نظر می رسد، از کشاورزی سازمان یافته گرفته تا تجارت، مالیات، دادگاه، آموزش و مدیریت دولتی، ریشه هایی عمیق در همین سرزمین داشت.

میان رودان تنها یک کشور یا یک امپراتوری نبود. این منطقه مجموعه ای از شهرهای مستقل و پادشاهی های گوناگون را در بر می گرفت که هر یک فرمانروای خود، خدایان ویژه، سنت های محلی و منافع سیاسی مستقل داشتند. اور، اوروک، لاگاش، نیپور، ایسین، لارسا، ماری، اشنونا، آشور و بعدها بابل، همگی در دوره های مختلف به قدرت رسیدند و برای دستیابی به برتری با یکدیگر رقابت کردند.

گاهی این شهرها از راه تجارت و پیمان های سیاسی با یکدیگر همکاری می کردند و گاهی نیز دهه ها درگیر جنگ هایی می شدند که سرنوشت سراسر منطقه را دگرگون می ساخت.

همین رقابت دائمی باعث شد میان رودان به یکی از پویاترین و در عین حال ناپایدارترین مناطق دنیای باستان تبدیل شود. رودهای دجله و فرات شریان های حیاتی این تمدن بودند. سیلاب های سالانه آن ها لایه ای تازه از خاک حاصلخیز بر زمین های اطراف بر جای می گذاشت و شرایطی ایده آل برای کشاورزی فراهم می کرد.

اما همین رودها اگر مهار نمی شدند، می توانستند با طغیان های ویرانگر خود روستاها و مزارع را نابود کنند.

به همین دلیل، مردم میان رودان شبکه های گسترده ای از کانال ها، سدها و آبراه های مصنوعی ایجاد کردند تا جریان آب را کنترل کنند.

نگهداری این شبکه عظیم نیازمند همکاری هزاران نفر، مدیریت دقیق و حکومتی کارآمد بود.

از همین جا بود که نخستین ساختارهای اداری و دولتی شکل گرفتند و قدرت سیاسی به تدریج با مدیریت منابع آب و زمین پیوند خورد.

اقتصاد میان رودان بر پایه کشاورزی استوار بود. گندم، جو، خرما، کنجد و انواع محصولات کشاورزی در زمین های حاصلخیز این منطقه کشت می شد و دامداری نیز نقش مهمی در زندگی مردم ایفا می کرد.

مازاد تولید باعث رونق بازرگانی شد و کاروان ها و کشتی های تجاری کالاهای گوناگون را میان شهرهای میان رودان و سرزمین های دوردست جابه جا می کردند.

چوب از کوهستان های لبنان، سنگ از آناتولی، فلزات از ایران و آسیای صغیر و کالاهای لوکس از مناطق دورتر به این سرزمین وارد می شد و در مقابل، غلات، پارچه، سفال، روغن و دیگر محصولات میان رودان به نقاط مختلف صادر می شد.

رونق تجارت موجب پیدایش طبقه ای از بازرگانان، صنعتگران و کاتبان شد که نقش مهمی در رشد اقتصادی و فرهنگی منطقه ایفا کردند.

در کنار اقتصاد، دین نیز ستون اصلی جامعه به شمار می رفت.

مردم میان رودان باور داشتند که خدایان بر تمامی جنبه های زندگی انسان فرمان می رانند.

هر شهر خدایی نگهبان داشت که سرنوشت آن شهر به اراده او وابسته دانسته می شد.

معبد نه تنها مرکز عبادت، بلکه یکی از مهم ترین مراکز اقتصادی، آموزشی و اداری نیز بود.

کاهنان بر زمین های وسیع نظارت می کردند، مالیات جمع آوری می کردند، آیین های مذهبی را برگزار می کردند و در بسیاری از تصمیم های سیاسی بر پادشاهان تأثیر می گذاشتند. در چنین جامعه ای، حکومت و مذهب از یکدیگر جدا نبودند و مشروعیت فرمانروایان تا حد زیادی از اعتقاد مردم به حمایت خدایان سرچشمه می گرفت.

یکی از بزرگ ترین دستاوردهای مردم میان رودان، اختراع خط میخی بود.

در آغاز، این خط برای ثبت معاملات بازرگانی، مالیات و انبارهای غله به کار می رفت، اما به تدریج به ابزاری برای ثبت قوانین، قراردادهای، نامه های سیاسی، متون مذهبی، آثار ادبی و رویدادهای تاریخی تبدیل شد.

کاتبان سال ها آموزش می دیدند تا بتوانند نشانه های پیچیده خط میخی را بر لوح های گلی حک کنند و همین نوشته ها امروز ارزشمندترین منابع ما برای شناخت تمدن های باستانی به شمار می روند.

اگر این لوح های گلی باقی نمی ماندند، بخش بزرگی از تاریخ میان رودان برای همیشه در تاریکی فراموشی از میان می رفت.

با وجود تمامی این پیشرفت ها، میان رودان سرزمینی آرام نبود.

پادشاهان برای تصرف زمین های حاصلخیز، کنترل مسیرهای تجاری و دستیابی به منابع طبیعی پیوسته با یکدیگر رقابت می کردند.

اتحادهای شکل می گرفتند و از هم می پاشیدند.

شهرهایی که روزی قدرتمند بودند، گاه تنها چند دهه بعد به دست رقیبان خود سقوط می کردند.

در چنین فضایی، بقای یک پادشاهی بیش از هر چیز به توانایی فرمانروای آن در اداره کشور، مدیریت اقتصاد، حفظ ارتش و برقراری نظم بستگی داشت.

این جهان، دنیایی بود که در آن قدرت بدون سازماندهی پایدار نمی ماند و حکومت بدون قانون به سرعت گرفتار هرج و مرج می شد.

در آغاز سده هجدهم پیش از میلاد، در میان همین رقابت های
پایان ناپذیر، شهری نسبتاً کوچک در کنار رود فرات آرام
آرام در حال قدرت گرفتن بود.

این شهر بابل نام داشت.

در آن زمان کمتر کسی تصور می کرد که همین پادشاهی
کوچک به زودی سراسر میان رودان را زیر فرمان خود
درآورد و نام فرمانروایش برای همیشه در تاریخ بشر جاودانه
شود.

آن فرمانروا حمورابی بود، مردی که نه تنها با شمشیر، بلکه
با قانون، اندیشه و سازماندهی حکومت، مسیر تاریخ تمدن را
دگرگون کرد.

میان رودان پیش از ظهور بابل

در روزگاری که حمورابی هنوز دیده به جهان نگشوده بود،
میان رودان یکی از پیچیده ترین و پیشرفته ترین مناطق جهان
به شمار می رفت.

تمدن های بزرگی طی هزاران سال در این سرزمین پدید آمده
بودند و هر یک بخشی از میراثی را بنا نهاده بودند که بعدها
بابل بر همان پایه ها رشد کرد.

حمورابی نخستین فرمانروایی نبود که در میان رودان
حکومت می کرد و بابل نیز نخستین شهر بزرگ این منطقه
محسوب نمی شد.

پیش از آنکه نام بابل بر سر زبان ها بیفتد، سومریان، اکدیان،
گوتیان، اور سوم و دولت های آموری هر یک دوره ای از
شکوفایی و افول را پشت سر گذاشته بودند.

به همین دلیل، برای درک عظمت دستاوردهای حمورابی باید
ابتدا جهانی را شناخت که او از دل آن برخاست.

نخستین تمدن بزرگ میان رودان را سومریان بنیان نهادند.
آنان از حدود هزاره چهارم پیش از میلاد در بخش جنوبی این
سرزمین شهرهایی بنا کردند که بعدها به مراکز مهم فرهنگ،
سیاست و اقتصاد تبدیل شدند.

اوروک، اور، لاگاش، اریدو و نیپور تنها چند نمونه از این
شهرهای بزرگ بودند.

سومریان نخستین مردمانی بودند که خط میخی را ابداع
کردند، نظام های پیچیده آبیاری را گسترش دادند، معابد عظیم

پلکانی یا زیگورات ها را ساختند و نخستین ساختارهای

شهری واقعی را در تاریخ بشر به وجود آوردند.

بخش بزرگی از آنچه بعدها تمدن های دیگر میان رودان به

ارث بردند، نخستین بار به دست همین مردم پایه گذاری شد.

پس از سومریان، اکدیان تحت فرمانروایی سارگون اکدی

موفق شدند برای نخستین بار بخش بزرگی از میان رودان را

زیر سلطه یک حکومت واحد قرار دهند.

این رویداد نقطه عطفی در تاریخ منطقه بود، زیرا نشان داد

که امکان اداره سرزمینی بسیار گسترده از طریق یک

حکومت مرکزی وجود دارد.

امپراتوری اکد اگرچه چندان دوام نیاورد، اما اندیشه

امپراتوری را در میان رودان زنده کرد.

فرمانروایان پس از آن، از جمله حمورابی، همگی تا اندازه
ای خود را وارث همان رؤیای دیرینه می دانستند که هدفش
یکپارچه ساختن سراسر میان رودان بود.

پس از فروپاشی اکد، منطقه بار دیگر وارد دوره ای از
آشفته‌گی شد.

تهاجم گوتیان، جنگ های داخلی و رقابت میان شهرهای
مختلف، ثبات سیاسی را برای سال ها از میان برد.
با این حال، این دوران نیز سرانجام جای خود را به شکوفایی
دوباره داد.

دودمان سوم اور توانست نظم را تا حد زیادی بازگرداند و
یکی از منظم ترین دستگاه های اداری جهان باستان را ایجاد
کند.

در این دوره، ثبت اسناد، اخذ مالیات، مدیریت کشاورزی و اداره شهرها با دقتی چشمگیر انجام می شد.

هرچند این حکومت نیز در نهایت سقوط کرد، اما نظام اداری آن تأثیر عمیقی بر حکومت های بعدی، از جمله بابل، بر جای گذاشت.

در همین دوران، اقوام آموری که از نواحی غربی به میان رودان مهاجرت کرده بودند، به تدریج در شهرهای مختلف قدرت گرفتند.

برخلاف مهاجمان پیشین که اغلب تنها به غارت و ویرانی می اندیشیدند، آموریان به سرعت با فرهنگ میان رودان آمیخته شدند.

آن ها زبان اکدی را پذیرفتند، آیین های مذهبی محلی را
محترم شمردند و خود را ادامه دهنده سنت های کهن این
سرزمین معرفی کردند.

خاندان حمورابی نیز از همین قوم آموری برخاسته بود.
این موضوع نشان می دهد که بابل نه حاصل نابودی تمدن
های پیشین، بلکه نتیجه پیوند فرهنگ های گوناگون و ادامه
طبیعی تاریخ طولانی میان رودان بود.

در آغاز هزاره دوم پیش از میلاد، میان رودان بار دیگر به
مجموعه ای از پادشاهی های مستقل تقسیم شده بود.
لارسا در جنوب قدرت فراوانی داشت.

اشنونا بر بخش هایی از شرق حکومت می کرد.
ماری کنترل مسیرهای مهم تجاری در امتداد رود فرات را در
اختیار داشت.

آشور نیز در شمال به تدریج جایگاه خود را مستحکم می کرد.

هر یک از این دولت ها می کوشیدند نفوذ خود را گسترش دهند و هیچ یک حاضر نبود برتری دیگری را بپذیرد. اتحادها به سرعت شکل می گرفتند و به همان سرعت از هم می پاشیدند.

پادشاهانی که امروز هم پیمان بودند، ممکن بود تنها چند سال بعد در میدان نبرد رو در رو ی یکدیگر قرار گیرند.

در چنین شرایطی، بابل هنوز شهری نسبتاً کوچک به شمار می رفت.

اگرچه موقعیت جغرافیایی مناسبی در کنار رود فرات داشت و به تدریج از رونق اقتصادی برخوردار می شد، اما در

مقایسه با شهرهایی مانند لارسا، ماری یا آشور، قدرت چندانی نداشت.

کمتر کسی تصور می کرد که این شهر روزی بتواند تمامی رقیبان خود را شکست دهد و به قلب سیاسی و فرهنگی میان رودان تبدیل شود.

حتی بسیاری از فرمانروایان بزرگ آن زمان احتمالاً نام بابل را تنها به عنوان یکی از ده ها شهر منطقه می شناختند و آن را تهدیدی جدی برای قدرت خود نمی دانستند.

با این حال، بابل از یک امتیاز مهم برخوردار بود.

این شهر در نقطه ای قرار گرفته بود که راه های بازرگانی شمال و جنوب میان رودان به یکدیگر می رسیدند.

کاروان های تجاری، کشتی های رودخانه ای و بازرگانانی
که میان شهرهای مختلف رفت و آمد می کردند، ناگزیر از این
منطقه عبور می کردند.

همین موقعیت، ثروت روزافزونی برای بابل به همراه آورد و
زمینه را برای رشد اقتصادی آن فراهم ساخت.
پادشاهان بابل نیز به خوبی دریافتند که ثروت، اگر با مدیریت
درست همراه شود، می تواند به همان اندازه ارتشی نیرومند،
قدرت سیاسی ایجاد کند.

در آستانه تولد حمورابی، میان رودان سرزمینی بود که
همزمان شکوه و آشفتگی را در خود جای داده بود.
تمدن به بالاترین سطح خود رسیده بود، اما وحدت سیاسی
وجود نداشت.

اقتصاد رونق داشت، اما جنگ های پی در پی امنیت آن را
تهدید می کرد.

شهرها ثروتمند بودند، اما رقابت میان آن ها هر لحظه می
توانست به نبردی تازه تبدیل شود.

همه چیز برای ظهور فرمانروایی آماده بود که بتواند این
سرزمین پراکنده را زیر پرچمی واحد گرد آورد و نظمی تازه
بر آن حاکم کند.

چند سال بعد، در همین فضای پر آشوب، کودکی در خاندان
سلطنتی بابل متولد شد که هیچ کس نمی توانست پیش بینی کند
روزی نام او در کنار بزرگ ترین فرمانروایان تاریخ قرار
خواهد گرفت.

آن کودک حمورابی بود، مردی که نه تنها سرنوشت بابل،
بلکه مسیر تاریخ حقوق، حکومت و تمدن را برای همیشه
دگرگون ساخت.

خاندان حمورابی و سال های نخست زندگی

درباره سال های نخست زندگی حمورابی اطلاعات مستقیمی در دست نیست.

برخلاف بسیاری از شخصیت های مشهور تاریخ که زندگینامه های مفصل یا روایت های شخصی از آنان باقی مانده است، از دوران کودکی و نوجوانی حمورابی اسناد بسیار اندکی به جا مانده است.

آنچه امروز درباره او می دانیم، بیشتر از سنگ نوشته های سلطنتی، لوح های گلی، اسناد اداری و نوشته هایی به دست آمده که سال ها پس از دوران حکومتش ثبت شده اند.

با این حال، همین منابع تصویری نسبتاً روشن از محیطی که او در آن پرورش یافت در اختیار تاریخ پژوهان قرار می دهند.

حمورابی در حدود سال ۱۸۱۰ پیش از میلاد در خاندان سلطنتی بابل متولد شد.

او فرزند "سین موبالیت" بود، پادشاهی که در زمان خود تلاش فراوانی برای گسترش قدرت بابل انجام داد.

اگرچه بابل در آن دوران هنوز یکی از قدرت های بزرگ میان رودان به شمار نمی رفت، اما نسبت به نسل های پیشین جایگاه مستحکم تری پیدا کرده بود و آرام آرام خود را به عنوان یکی از بازیگران مهم منطقه معرفی می کرد.

سین موبالیت بخش مهمی از دوران فرمانروایی خود را صرف تقویت ارتش، توسعه شهر و ایجاد ثبات سیاسی کرد تا زمینه را برای آینده ای قدرتمندتر فراهم سازد.

حمورابی دوران کودکی خود را در محیطی سپری کرد که سیاست، حکومت و مذهب در تمام جنبه های زندگی حضور داشتند.

کاخ سلطنتی تنها محل زندگی خانواده پادشاه نبود، بلکه مرکز اداره کشور، تصمیم گیری های نظامی، امور اقتصادی و فعالیت های دیپلماتیک نیز محسوب می شد.

شاهزادگان از همان سال های نخست زندگی با مسائل حکومتی آشنا می شدند و آموزش هایی دریافت می کردند که آنان را برای اداره کشور آماده سازد.

به احتمال بسیار زیاد، حمورابی نیز همانند دیگر شاهزادگان
زمان خود خواندن و نوشتن خط میخی، اصول مدیریت، آیین
های مذهبی، تاریخ دودمان های پیشین، فنون جنگ، دیپلماسی
و اداره امور اقتصادی را فرا گرفت.

در آن دوران، آموزش یک ولیعهد تنها به مهارت های نظامی
محدود نمی شد.

فرمانروایی بر یک پادشاهی نیازمند شناخت دقیق کشاورزی،
بازرگانی، مالیات، آبیاری، روابط میان شهرها و حتی قوانین
مذهبی بود.

پادشاهی که نمی توانست این بخش های گوناگون را مدیریت
کند، دیر یا زود کنترل قلمرو خود را از دست می داد.

به همین دلیل، شاهزادگان سال ها تحت آموزش کاتبان، فرماندهان نظامی، کاهنان و مشاوران ارشد قرار می گرفتند تا بتوانند روزی مسئولیت حکومت را بر عهده بگیرند. در کنار آموزش رسمی، حمورابی از نزدیک شاهد دشواری های حکومت نیز بود.

پدرش باید همزمان با تهدید دولت های همسایه، مشکلات اقتصادی، اختلاف های داخلی و نیازهای روزمره مردم روبه رو می شد.

تصمیم هایی که در تالارهای کاخ گرفته می شد، می توانست سرنوشت هزاران نفر را تغییر دهد.

احتمالاً همین تجربه ها باعث شد حمورابی از همان جوانی درک کند که قدرت تنها با نیروی نظامی حفظ نمی شود، بلکه

اداره صحیح کشور و برقراری نظم نیز به همان اندازه اهمیت دارد.

در همین سال ها، بابل به تدریج ثروتمندتر می شد. بازرگانان بیشتری وارد شهر می شدند، بازارها رونق می گرفتند، معابد گسترش می یافتند و جمعیت شهر رو به افزایش بود.

رشد اقتصادی فرصت های تازه ای در اختیار حکومت قرار می داد، اما همزمان مسئولیت های بیشتری نیز ایجاد می کرد.

افزایش جمعیت به معنای نیاز بیشتر به قانون، امنیت، مدیریت منابع آب و سازمان دهی اداری بود.

حمورابی این تغییرات را از نزدیک مشاهده می کرد و بعدها بسیاری از تصمیم های او در دوران پادشاهی، بازتاب همین تجربه های دوران جوانی بود.

اگرچه درباره شخصیت حمورابی در سال های نوجوانی اطلاعات دقیقی وجود ندارد، اما آنچه از دوران حکومتش بر جای مانده نشان می دهد که او فردی صبور، حسابگر و آینده نگر بوده است.

برخلاف بسیاری از فرمانروایان که با شتاب وارد جنگ می شدند، حمورابی سال های نخست حکومت خود را صرف تقویت زیرساخت های کشور کرد.

چنین رویکردی معمولاً در نتیجه سال ها آموزش، تجربه و مشاهده دقیق به دست می آید و احتمالاً ریشه آن را باید در همان سال های نخست زندگی او جستجو کرد.

در حدود سال ۱۷۹۲ پیش از میلاد، هنگامی که سین موبالیت
از دنیا رفت یا به دلیل بیماری دیگر توانایی اداره کشور را
نداشت، حمورابی بر تخت پادشاهی بابل نشست.

در آن زمان او فرمانروای سرزمینی بود که اگرچه رو به
رشد بود، اما هنوز در سایه قدرت های بزرگ تری مانند
لارسا، آشور، ماری و اشنونا قرار داشت.

هیچ کس نمی توانست پیش بینی کند که همین پادشاه جوان،
طی چهار دهه آینده نه تنها تمامی این رقیبان را شکست
خواهد داد، بلکه نام خود را برای همیشه در تاریخ جهان به
عنوان یکی از بزرگ ترین قانونگذاران و فرمانروایان تمدن
بشری ثبت خواهد کرد.

آغاز فرمانروایی حمورابی

هنگامی که حمورابی در حدود سال ۱۷۹۲ پیش از میلاد بر تخت پادشاهی بابل نشست، هیچ نشانه ای وجود نداشت که آینده او با سرنوشت بسیاری از فرمانروایان دیگر تفاوتی اساسی خواهد داشت.

او وارث پادشاهی نسبتاً کوچک بود که اگرچه در سال های پایانی حکومت پدرش رشد قابل توجهی را تجربه کرده بود، اما هنوز در میان قدرت های بزرگ میان رودان جایگاه برتری نداشت.

در جنوب، لارسا یکی از ثروتمندترین و نیرومندترین دولت های منطقه محسوب می شد.

در شرق، اشنونا نفوذ فراوانی داشت.

ماری بر بخش مهمی از مسیرهای بازرگانی رود فرات تسلط یافته بود و در شمال نیز آشور به تدریج قدرت خود را گسترش می داد.

در چنین شرایطی، بابل تنها یکی از چندین پادشاهی رقیب بود و کمتر کسی تصور می کرد که روزی بتواند بر همه آنان چیره شود.

بر خلاف بسیاری از فرمانروایان جوان که نخستین سال های حکومت خود را با لشکرکشی های گسترده آغاز می کردند، حمورابی مسیر دیگری را برگزید.

او به خوبی می دانست که کشوری که از درون استحکام نداشته باشد، حتی اگر در میدان نبرد پیروز شود، در حفظ سرزمین های تازه فتح شده با شکست روبه رو خواهد شد.

به همین دلیل، سال های آغازین سلطنت خود را بیش از آنکه صرف گسترش مرزها کند، به تقویت پایه های حکومت اختصاص داد.

او دستگاه اداری را سامان داد، مالیات ها را منظم تر کرد، وضعیت شهرها را بهبود بخشید و توجه ویژه ای به توسعه کشاورزی و نگهداری از شبکه های آبیاری نشان داد. این تصمیم ها شاید در نگاه نخست کمتر از یک پیروزی نظامی چشمگیر به نظر برسند، اما بعدها مشخص شد که همین اصلاحات زیربنای قدرت آینده بابل را تشکیل داده بودند.

یکی از مهم ترین وظایف هر پادشاه در میان رودان، مدیریت آب بود.

زندگی میلیون ها نفر به رودهای دجله و فرات و شبکه

گسترده کانال های آبیاری وابسته بود.

اگر این کانال ها به موقع پاکسازی و تعمیر نمی شدند، زمین

های کشاورزی خشک می شدند یا در اثر سیلاب از بین می

رفتند و در نتیجه اقتصاد کشور با بحران روبه رو می شد.

حمورابی اهمیت این موضوع را به خوبی درک می کرد.

او فرمان داد کانال های قدیمی بازسازی شوند، مسیرهای تازه

ای برای انتقال آب ایجاد شود و نظارت دقیق تری بر تقسیم

آب میان کشاورزان صورت گیرد.

این اقدامات نه تنها تولید محصولات کشاورزی را افزایش

داد، بلکه اعتماد مردم را نیز نسبت به حکومت بیشتر کرد.

در همین زمان، فعالیت های اقتصادی بابل نیز رونق بیشتری

گرفت.

بازرگانان از شهرهای مختلف برای داد و ستد به این شهر می آمدند و بازارهای آن هر سال شلوغ تر از گذشته می شد.

حکومت امنیت راه های تجاری را افزایش داد و شرایط مناسب تری برای تجارت فراهم ساخت.

ورود کالاهای ارزشمند از سرزمین های دوردست و صادرات محصولات بابلی، ثروت بیشتری وارد خزانه سلطنتی می کرد.

این درآمد بعدها نقش مهمی در تامین هزینه های ارتش، ساخت بناهای عمومی و اجرای پروژه های عمرانی ایفا کرد.

حمورابی در عرصه سیاست خارجی نیز شتاب زده عمل نکرد.

او به جای آنکه بلافاصله وارد جنگ با همسایگان خود شود، تلاش کرد روابط سیاسی را با دقت مدیریت کند.

گاهی با یک دولت پیمان دوستی می بست و گاهی با دولت دیگر وارد همکاری می شد تا از ایجاد اتحادهای خطرناک علیه بابل جلوگیری کند.

در جهانی که اتحادهای سیاسی ممکن بود تنها طی چند سال کاملاً دگرگون شوند، چنین انعطاف پذیری یکی از مهم ترین ویژگی های یک فرمانروای موفق به شمار می رفت.

حمورابی به خوبی می دانست که گاهی یک پیمان ارزشمندتر از یک پیروزی نظامی است و می تواند بدون ریختن خون، امنیت کشور را تضمین کند.

در داخل کشور نیز او کوشید اقتدار حکومت مرکزی را افزایش دهد.

فرمانداران محلی موظف بودند گزارش های منظم از وضعیت شهرها، مالیات ها، کشاورزی و امنیت به دربار ارسال کنند.

این ارتباط مداوم باعث می شد حکومت از مشکلات مناطق مختلف آگاه باشد و بتواند پیش از آنکه بحران ها گسترش پیدا کنند، برای حل آن ها اقدام کند.

چنین نظام اداری منظمی در آن دوران دستاوردی بزرگ محسوب می شد و نشان می داد که حمورابی تنها به فکر فتح سرزمین های تازه نیست، بلکه به اداره صحیح آنچه در اختیار دارد نیز اهمیت فراوان می دهد.

سال های نخست سلطنت حمورابی شاید از نظر نظامی آرام به نظر برسند، اما در حقیقت مهم ترین مرحله شکل گیری امپراتوری آینده بودند.

او با صبر و آینده نگری، کشوری را که از پدرش به ارث رسیده بود، به دولتی منظم، ثروتمند و آماده برای گسترش تبدیل کرد.

ارتشی که بعدها پیروزی های بزرگ را به دست آورد، با درآمد همین اصلاحات تجهیز شد.

دستگاه اداری که بعدها سرزمین های وسیع میان رودان را اداره کرد، در همین سال ها شکل گرفت.

اعتماد مردم به حکومت نیز نتیجه همین دوران آرام اما سازنده بود.

حمورابی به خوبی می دانست که زمان جنگ هنوز فرا نرسیده است.

او سال ها منتظر ماند تا رقیبانش گرفتار اختلاف های داخلی، جنگ های فرسایشی و ضعف سیاسی شوند.

این صبر، یکی از بزرگ ترین تفاوت های او با بسیاری از فرمانروایان هم عصرش بود.

او نمی خواست تنها پیروز یک نبرد باشد، بلکه هدفش ساختن امپراتوری بود که بتواند سال ها پس از پایان جنگ ها نیز پابرجا بماند.

چند سال بعد، زمانی که شرایط سیاسی میان رودان دگرگون شد و دشمنان بابل دیگر از قدرت گذشته برخوردار نبودند، حمورابی تصمیم گرفت مرحله تازه ای از سلطنت خود را آغاز کند.

دوره اصلاحات و آماده سازی به پایان رسیده بود. اکنون زمان آن رسیده بود که بابل از یک پادشاهی منطقه ای به قدرت برتر میان رودان تبدیل شود و این هدف تنها از راه جنگ، دیپلماسی و رهبری هوشمندانه امکان پذیر بود.

فتح میان رودان و تولد یک امپراتوری

در میانه دوران فرمانروایی حمورابی، توازن قدرت در میان رودان به طور کامل دگرگون شد.

پادشاهی هایی که تا چند سال پیش هر یک خود را قدرت برتر منطقه می دانستند، اکنون یکی پس از دیگری در برابر ارتش بابل قرار می گرفتند.

حمورابی دیگر تنها فرمانروای شهری رو به رشد نبود. او به رهبری تبدیل شده بود که هدفش یکپارچه ساختن سراسر میان رودان زیر فرمان یک حکومت مرکزی بود.

این هدف بلندپروازانه، تنها با پیروزی های نظامی به دست نمی آمد، بلکه به برنامه ریزی دقیق، مدیریت منابع، شناخت دشمنان و استفاده هوشمندانه از فرصت های سیاسی نیاز داشت.

نخستین هدف بزرگ حمورابی، دولت لارسا بود. لارسا سال ها یکی از ثروتمندترین و قدرتمندترین حکومت های جنوب میان رودان به شمار می رفت. زمین های حاصلخیز، شبکه های گسترده آبیاری و کنترل بخش مهمی از راه های بازرگانی، این دولت را به رقیبی خطرناک برای بابل تبدیل کرده بود. حمورابی پیش از آغاز نبرد، سال ها اوضاع داخلی لارسا را زیر نظر داشت.

او منتظر ماند تا اختلاف های سیاسی و فشار های اقتصادی،
توان این پادشاهی را کاهش دهد و تنها زمانی حمله را آغاز
کرد که احتمال پیروزی را بسیار بالا می دید.

در حدود سال ۱۷۶۳ پیش از میلاد، ارتش بابل موفق شد
لارسا را شکست دهد و این دولت قدرتمند را به قلمرو خود
ضمیمه کند.

این پیروزی، نقطه عطفی در زندگی حمورابی بود، زیرا از
این پس بابل به بزرگ ترین قدرت جنوب میان رودان تبدیل
شد.

پس از سقوط لارسا، بسیاری از شهر های اطراف بدون
مقاومت جدی فرمانروایی بابل را پذیرفتند.

برخی از حاکمان محلی دریافتند که ادامه مقاومت تنها به نابودی شهرهایشان خواهد انجامید، در حالی که پذیرش حکومت حمورابی می توانست امنیت، ثبات و رونق اقتصادی را برای آنان حفظ کند.

به همین دلیل، در کنار پیروزی های نظامی، دیپلماسی نیز همچنان نقش مهمی در گسترش قلمرو بابل ایفا می کرد. حمورابی به خوبی می دانست که هر شهری را نمی توان با زور اداره کرد و برای حفظ امپراتوری، رضایت نسبی مردم و نخبگان محلی نیز ضروری است.

در ادامه، توجه او به سوی اشنونا معطوف شد. این پادشاهی در شرق میان رودان قرار داشت و سال ها یکی از مراکز مهم بازرگانی منطقه بود.

کنترل اشنونا به معنای تسلط بر مسیرهای تجاری ارزشمند و افزایش نفوذ اقتصادی بابل بود.

پس از مجموعه ای از درگیری های نظامی و سیاسی، این منطقه نیز تحت فرمان حمورابی قرار گرفت.

با این پیروزی، بخش بزرگی از شرق میان رودان به قلمرو بابل افزوده شد و موقعیت اقتصادی حکومت بیش از پیش تقویت گردید.

اندکی بعد، نوبت به ماری رسید.

این شهر در کنار رود فرات قرار داشت و یکی از مهم ترین مراکز سیاسی و تجاری جهان باستان محسوب می شد.

حمورابی در سال های پیش با ماری روابط دوستانه برقرار

کرده بود و حتی در برخی جنگ ها با فرمانروای آن همکاری داشت.

اما سیاست در میان رودان همواره بر اساس منافع شکل می گرفت و دوستی های دیروز می توانستند به دشمنی های فردا تبدیل شوند.

زمانی که شرایط تغییر کرد، حمورابی تصمیم گرفت ماری را نیز به قلمرو خود ملحق کند.

در حدود سال ۱۷۶۱ پیش از میلاد، ارتش بابل این شهر را تصرف کرد و یکی از مهم ترین رقیبان خود را از میان برداشت.

فتح ماری تنها یک پیروزی نظامی نبود.

این شهر آرشیو عظیمی از اسناد، نامه های سیاسی و گزارش های اداری در اختیار داشت که امروزه از ارزشمندترین منابع شناخت تاریخ میان رودان به شمار می روند.

هزاران لوح گلی که از کاخ سلطنتی ماری به دست آمده اند، اطلاعات فراوانی درباره روابط میان دولت های آن دوران، تجارت، دیپلماسی و حتی زندگی روزمره مردم ارائه می کنند.

بخش مهمی از آنچه امروز درباره جهان حمورابی می دانیم، از همین اسناد به دست آمده است.

پس از این پیروزی ها، بیشتر سرزمین های مهم میان رودان زیر فرمان حمورابی قرار گرفته بودند.

او اکنون بر شبکه گسترده ای از شهرها، روستاها، زمین های کشاورزی، راه های بازرگانی و مراکز مذهبی حکومت می کرد.

چنین قلمروی وسیعی پیش از آن تنها در دوران امپراتوری
اکد تجربه شده بود و اکنون پس از گذشت چندین قرن، بار
دیگر زیر فرمان یک پادشاه متحد شده بود.
اما حمورابی به خوبی می دانست که تصرف سرزمین ها تنها
آغاز کار است.

امپراتوری واقعی زمانی شکل می گیرد که مردم سرزمین
های گوناگون خود را بخشی از یک نظام واحد بدانند و
حکومت بتواند بر تمامی مناطق به شکلی منظم و پایدار
نظارت داشته باشد.

به همین دلیل، پس از پایان لشکرکشی های بزرگ، حمورابی
تمرکز خود را از میدان های نبرد به سوی اداره امپراتوری
معطوف کرد.

فرمانداران تازه منصوب شدند، نظام مالیاتی بازنگری شد،
راه های ارتباطی توسعه یافت، کانال های آبیاری تعمیر شدند
و دستگاه اداری گسترش پیدا کرد.

در بسیاری از شهرهای فتح شده، ساختارهای محلی حفظ
شدند تا مردم احساس نکنند که هویت و سنت هایشان از میان
رفته است.

این سیاست هوشمندانه باعث شد بسیاری از مناطق تازه فتح
شده، با آرامش بیشتری حکومت بابل را بپذیرند.

با پایان این فتوحات، بابل دیگر تنها یک شهر یا یک پادشاهی
نبود.

این شهر به قلب سیاسی، اقتصادی و فرهنگی میان رودان
تبدیل شده بود.

کاروان های بازرگانی از سراسر منطقه به سوی آن حرکت می کردند، معابد آن رونق یافته بودند، خزانه سلطنتی سرشار از ثروت بود و نام حمورابی در سراسر سرزمین های میان رودان با احترام و گاه با هراس بر زبان ها جاری می شد. با این حال، بزرگ ترین آزمون او هنوز در پیش بود. اکنون که امپراتوری شکل گرفته بود، باید راهی برای اداره میلیون ها نفر با فرهنگ ها، زبان ها و سنت های گوناگون پیدا می شد.

این همان چالشی بود که حمورابی را به سوی بزرگ ترین دستاورد دوران فرمانروایی اش هدایت کرد، یعنی ایجاد نظامی منسجم برای حکومت و تدوین قانونی که بتواند سراسر امپراتوری را زیر یک چارچوب واحد قرار دهد.

اداره امپراتوری و هنر فرمانروایی

پیروزی های نظامی حمورابی تنها آغاز راه بود.

بسیاری از فرمانروایان تاریخ توانسته اند سرزمین های

وسیع را با نیروی شمشیر فتح کنند، اما تنها تعداد اندکی

موفق شده اند آن سرزمین ها را برای سال های طولانی با

ثبات و نظم اداره کنند.

حمورابی به خوبی می دانست که ارزش یک امپراتوری، نه

به وسعت مرزهای آن، بلکه به توانایی حکومت در حفظ

امنیت، اجرای عدالت، رونق اقتصاد و جلب اعتماد مردم

بستگی دارد.

به همین دلیل، پس از پایان لشکرکشی های بزرگ، بخش
عمده توجه خود را به سازمان دهی حکومت و ایجاد
ساختاری پایدار برای اداره امپراتوری معطوف کرد.

قلمرویی که اکنون زیر فرمان بابل قرار داشت، مجموعه ای
از شهرها و اقوام گوناگون را در بر می گرفت.
هر منطقه زبان، سنت، آیین های مذهبی و قوانین محلی خود
را داشت.

اگر حکومت می کوشید همه این تفاوت ها را به زور از میان
ببرد، بی تردید با شورش های گسترده روبه رو می شد.
حمورابی به جای نابود کردن ساختارهای محلی، در بسیاری
از مناطق آن ها را حفظ کرد و تنها بر عملکرد فرمانداران و
وفاداری آنان به حکومت مرکزی نظارت داشت.

این سیاست باعث شد بسیاری از شهرهای فتح شده بدون احساس تحقیر یا از دست دادن هویت خود، بخشی از امپراتوری بابل باقی بمانند.

برای اداره چنین قلمروی وسیعی، دستگاه اداری منظم و گسترده ای ایجاد شد.

فرمانداران مسئول اداره استان های مختلف بودند و به طور مرتب گزارش هایی درباره وضعیت کشاورزی، مالیات، امنیت، تجارت و فعالیت های عمرانی برای دربار ارسال می کردند.

این گزارش ها به حمورابی امکان می داد تا از صدها کیلومتر دورتر نیز از شرایط شهرهای مختلف آگاه باشد و در صورت بروز مشکل، تصمیم های لازم را به سرعت اتخاذ کند.

چنین نظام ارتباطی برای آن دوران دستاوردی چشمگیر به
شمار می رفت و نقش مهمی در حفظ انسجام امپراتوری
داشت.

یکی از مهم ترین منابع ثروت بابل، کشاورزی بود.

حمورابی اهمیت این موضوع را بهتر از هر فرمانروای
دیگری درک می کرد.

او دستور داد کانال های آبیاری به طور منظم پاکسازی شوند،
سدهای آسیب دیده بازسازی گردند و تقسیم آب میان
کشاورزان تحت نظارت حکومت انجام شود.

در سرزمینی که بارندگی اندک بود و زندگی مردم به جریان
رودهای دجله و فرات وابسته بود، مدیریت صحیح آب به
معنای تضمین امنیت غذایی، افزایش درآمد دولت و جلوگیری
از ناآرامی های اجتماعی بود.

به همین دلیل، بسیاری از پروژه های عمرانی دوران او
مستقیماً با شبکه های آبیاری و توسعه زمین های کشاورزی
ارتباط داشتند.

بازرگانی نیز در دوران حمورابی رشد قابل توجهی را تجربه
کرد.

راه های تجاری امن تر شدند و حکومت تلاش کرد از کاروان
ها و بازرگانان در برابر راهزنان و حمله دشمنان محافظت
کند.

بازرگانان از سرزمین های دوردست برای خرید و فروش
کالا به بابل سفر می کردند و بازارهای شهر هر روز پر
رونق تر از گذشته می شد.

چوب، فلز، سنگ های گرانبها، پارچه، ادویه و کالاهای
ارزشمند از مناطق مختلف وارد بابل می شدند و در مقابل،
محصولات کشاورزی، منسوجات، سفال و صنایع دستی این
سرزمین به دیگر نقاط صادر می شد.

رشد تجارت نه تنها ثروت بیشتری برای خزانه سلطنتی به
همراه آورد، بلکه ارتباط فرهنگی میان بابل و دیگر تمدن
های باستان را نیز گسترش داد.

حمورابی توجه ویژه ای به ساخت و بازسازی بناهای عمومی
داشت.

در سراسر امپراتوری، معابد، دیوارهای دفاعی، کانال ها،
انبارهای غله و ساختمان های اداری مرمت یا نوسازی شدند.

در نگاه مردم آن زمان، ساخت معابد تنها یک اقدام مذهبی نبود، بلکه نشانه اقتدار حکومت و احترام پادشاه به خدایان نیز محسوب می شد.

حمورابی در سنگ نوشته های خود بارها از بازسازی معابد و تقدیم هدایا به مردوک، شمش و دیگر خدایان سخن گفته است.

او باور داشت که حمایت خدایان برای دوام حکومت ضروری است و به همین دلیل، مذهب جایگاه مهمی در سیاست های او داشت.

با وجود اقتدار فراوان، حمورابی نمی خواست حکومتش تنها بر ترس استوار باشد.

او تلاش می کرد تصویر فرمانروایی را ارائه دهد که از رفاه مردم و برقراری عدالت نیز حمایت می کند.

در بسیاری از نوشته های سلطنتی، خود را پادشاهی معرفی می کند که برای حمایت از ناتوانان، جلوگیری از ظلم و برقراری نظم از سوی خدایان برگزیده شده است.

هرچند این نوشته ها تا اندازه ای جنبه تبلیغاتی داشتند، اما شواهد تاریخی نشان می دهند که برقراری نظم و ایجاد ساختارهای قانونی واقعاً از مهم ترین اهداف حکومت او بوده است.

اداره چنین امپراتوری بزرگی بدون وجود قانونی واحد امکان پذیر نبود.

هر شهر سنت های حقوقی خود را داشت و اختلاف میان قوانین محلی گاه باعث بروز مشکلات فراوان می شد.

بازرگانی که از شهری به شهر دیگر سفر می کردند، با مقررات متفاوتی روبه رو بودند و قضات نیز در بسیاری از پرونده ها بر اساس عرف محلی حکم صادر می کردند. حمورابی به تدریج به این نتیجه رسید که برای حفظ وحدت امپراتوری، باید چارچوبی مشترک برای اجرای عدالت ایجاد شود.

قانونی که نه تنها از قدرت حکومت حمایت کند، بلکه روابط میان مردم، بازرگانان، کشاورزان، صنعتگران، پزشکان، معماران و تمامی طبقات جامعه را نیز به شکلی روشن و مشخص تنظیم کند.

این اندیشه، سرآغاز یکی از بزرگ ترین دستاوردهای تاریخ تمدن بود.

دستاوردی که نام حمورابی را تا امروز زنده نگه داشته است.

در سال های پایانی فرمانروایی او، مجموعه ای از قوانین
گردآوری و بر سنگی عظیم حک شد تا همگان بتوانند آن را
ببینند و بدانند که عدالت در امپراتوری بابل بر پایه اصولی
مشخص اجرا می شود.

این اثر که امروزه با نام قانون نامه حمورابی شناخته می
شود، نه تنها مشهورترین یادگار دوران حکومت او، بلکه
یکی از مهم ترین اسناد حقوقی جهان باستان به شمار می
رود.

قانون نامه حمورابی

در تاریخ تمدن بشر، آثار اندکی وجود دارند که پس از گذشت نزدیک به چهار هزار سال همچنان موضوع مطالعه تاریخ دانان، حقوقدانان و پژوهشگران باشند.

قانون نامه حمورابی یکی از همین آثار است.

این سنگ نوشته نه تنها مشهورترین یادگار دوران فرمانروایی حمورابی به شمار می رود، بلکه یکی از کامل ترین و ارزشمندترین اسناد حقوقی بر جای مانده از جهان باستان نیز محسوب می شود.

اگرچه پیش از حمورابی نیز قوانین و مقرراتی در برخی شهرهای میان رودان وجود داشت، اما هیچ یک از آنها به اندازه قانون نامه او جامع، منظم و تأثیرگذار نبودند.

همین ویژگی باعث شد نام حمورابی بیش از هر چیز با مفهوم قانون و عدالت پیوند بخورد.

در سال های پایانی حکومت، زمانی که امپراتوری بابل به ثبات نسبی رسیده بود، حمورابی تصمیم گرفت مجموعه قوانین رایج در سراسر قلمرو خود را گردآوری، سامان دهی و به صورت رسمی منتشر کند.

هدف او تنها نوشتن چند قانون تازه نبود.

او می خواست چارچوبی واحد برای اداره امپراتوری ایجاد کند تا مردم شهرهای مختلف بدانند در برابر حکومت چه حقوق و چه مسئولیت هایی دارند.

وجود قانونی مشترک باعث می شد اختلاف های حقوقی با نظم بیشتری رسیدگی شوند و قضات در شهرهای گوناگون بر اساس اصولی یکسان حکم صادر کنند.

برای فرمانروایی که اکنون بر سرزمینی پهناور حکومت می کرد، چنین اقدامی ضرورتی اجتناب ناپذیر بود.

برای ثبت این قوانین، سنگی عظیم از جنس دیوریت سیاه انتخاب شد.

دیوریت یکی از سخت ترین سنگ های شناخته شده در آن دوران بود و همین استحکام، نمادی از پایداری و دوام قانون به شمار می رفت.

بر روی این سنگ، بیش از سه هزار و ششصد سطر به خط میخی حک شد که شامل مقدمه، دویست و هشتاد و دو قانون و بخش پایانی بود.

ارتفاع این سنگ نزدیک به دو متر و ربع است و بدون تردید یکی از باشکوه ترین آثار سنگی بر جای مانده از تمدن میان رودان محسوب می شود.

در بخش بالایی سنگ، نقش برجسته ای دیده می شود که یکی از مشهورترین تصاویر جهان باستان به شمار می رود. در این تصویر، حمورابی در برابر خدای خورشید و عدالت، یعنی شمش، ایستاده است.

شمش بر تخت نشسته و عصا و حلقه فرمانروایی را به سوی پادشاه دراز کرده است.

این تصویر پیامی روشن برای مردم بابل داشت.

قوانینی که بر این سنگ نوشته شده بودند، تنها خواسته شخصی یک فرمانروا نبودند، بلکه از دیدگاه مردم آن زمان، مشروعیت خود را از اراده خدایان می گرفتند.

به همین دلیل، احترام به قانون در حقیقت احترام به نظم مقدسی بود که خدایان برای جامعه تعیین کرده بودند.

مقدمه قانون نامه با ستایش خدایان آغاز می شود.

حمورابی در این بخش خود را فرمانروایی معرفی می کند که مردوک او را برای برقراری عدالت، نابودی ستمکاران و حمایت از مردم برگزیده است.

او بارها تأکید می کند که هدفش جلوگیری از ظلم زورمندان به افراد ضعیف جامعه است.

این اندیشه در سراسر قانون نامه تکرار می شود و نشان می دهد که حمورابی می خواست حکومت خود را نه تنها

حکومتی نیرومند، بلکه حکومتی عادل نیز معرفی کند.

البته عدالت در نگاه مردم چهار هزار سال پیش با برداشت

امروزی تفاوت های فراوانی داشت، اما همین تلاش برای

تعریف اصول مشخص حقوقی، دستاوردی بزرگ در تاریخ

تمدن به شمار می رفت.

بدنه اصلی سنگ شامل دویست و هشتاد و دو قانون است که تقریباً تمامی جنبه های زندگی مردم را در بر می گیرد. این قوانین درباره مالکیت، تجارت، کشاورزی، خانواده، ازدواج، طلاق، ارث، بردگان، قراردادهای وام، پزشکی، معماری، دستمزد کارگران، اجاره زمین، نگهداری دام، حمل و نقل، جرایم، مجازات ها و ده ها موضوع دیگر سخن می گویند.

برخلاف تصور رایج، بخش عمده این قانون نامه به مجازات های سنگین اختصاص ندارد، بلکه بیشتر آن درباره تنظیم روابط روزمره مردم و ایجاد نظم در جامعه است. حمورابی به خوبی می دانست که یک امپراتوری تنها با ارتش اداره نمی شود و زندگی اقتصادی و اجتماعی نیز به قوانینی روشن و قابل اجرا نیاز دارد.

یکی از ویژگی های مهم قانون نامه، توجه آن به مسئولیت

افراد در برابر اعمالشان بود.

در بسیاری از مواد قانونی، هر کس موظف بود پیامد تصمیم

ها و اشتباه های خود را بپذیرد.

اگر معماری خانه ای می ساخت که بر اثر بی دقتی فرو می

ریخت، اگر پزشکی در انجام عمل جراحی مرتکب خطا می

شد، اگر کشاورزی در نگهداری کانال های آب سهل انگاری

می کرد یا اگر تاجری قرارداد خود را نقض می نمود، قانون

برای هر یک مسئولیتی مشخص تعیین کرده بود.

این اصل که هر فرد در برابر عملکرد خود پاسخگو باشد،

یکی از مهم ترین ویژگی های قانون نامه حمورابی به شمار

می رود.

در عین حال، این قوانین برای همه افراد جامعه یکسان نبودند.

جامعه بابل بر پایه طبقات اجتماعی شکل گرفته بود و جایگاه هر فرد می توانست بر نوع مجازات یا میزان غرامت تأثیر بگذارد.

اشراف، افراد آزاد و بردگان از حقوق و مسئولیت های متفاوتی برخوردار بودند و در بسیاری از پرونده ها، قانون میان این گروه ها تفاوت قائل می شد.

امروزه چنین تفاوت هایی با اصول برابری حقوقی سازگار نیست، اما در جهان باستان امری طبیعی محسوب می شد و تقریباً تمامی تمدن های آن دوره ساختاری مشابه داشتند.

برای درک درست قانون نامه، باید آن را در چارچوب جامعه ای بررسی کرد که نزدیک به چهار هزار سال پیش وجود داشت.

بخش پایانی قانون نامه نیز همانند مقدمه، جنبه ای سیاسی و مذهبی دارد.

حمورابی در پایان از دستاوردهای خود سخن می گوید و از فرمانروایان آینده می خواهد که این قوانین را حفظ کنند و در اجرای عدالت بکوشند.

او همچنین کسانی را که بخواهند نوشته های سنگ را نابود کنند یا قوانین آن را تغییر دهند، به نفرین خدایان تهدید می کند.

چنین عباراتی در سنگ نوشته های سلطنتی جهان باستان بسیار رایج بودند و هدف آن ها حفظ اعتبار و اقتدار فرمان های پادشاه پس از مرگ او بود.

امروز، قانون نامه حمورابی تنها یک اثر باستان شناسی نیست.

این سنگ نوشته پنجره ای ارزشمند به زندگی مردم بابل
گشوده است و به پژوهشگران امکان می دهد تا اقتصاد،
خانواده، مذهب، تجارت، کشاورزی و ساختار اجتماعی یکی
از پیشرفته ترین تمدن های جهان باستان را بهتر بشناسند.
با مطالعه این قوانین، روشن می شود که حمورابی تنها یک
فاتح یا فرمانده نظامی نبود.
او فرمانروایی بود که تلاش کرد برای نخستین بار چارچوبی
جامع و مکتوب برای اداره جامعه ای بزرگ و پیچیده ایجاد
کند.

بررسی قانون نامه حمورابی

قانون نامه حمورابی از دویست و هشتاد و دو ماده تشکیل شده است که تقریباً تمامی جنبه های زندگی مردم بابل را در بر می گیرد.

اگر این قوانین تنها به ترتیب شماره مطالعه شوند، ممکن است پراکنده و گاه نامرتب به نظر برسند، زیرا موضوعات گوناگون در بخش های مختلف سنگ نوشته در کنار یکدیگر قرار گرفته اند.

به همین دلیل، بسیاری از تاریخ دانان و پژوهشگران حقوق باستان ترجیح می دهند این قوانین را بر اساس موضوع دسته بندی کنند تا هدف اصلی قانون گذار و شیوه اداره جامعه بهتر درک شود.

این روش نشان می دهد که حمورابی تنها مجموعه ای از مجازات ها را گردآوری نکرده بود، بلکه کوشیده بود برای هر بخش از زندگی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی امپراتوری خود چارچوبی مشخص تعیین کند.

در نگاه نخست، ممکن است قانون نامه بیشتر به خاطر مجازات های سخت آن شناخته شود، اما واقعیت کاملاً متفاوت است.

بخش بزرگی از مواد قانونی به موضوعاتی مانند تجارت، مالکیت، کشاورزی، خانواده، قراردادهای، دستمزد کارگران، مسئولیت حرفه ای، ارث، اجاره زمین و اداره امور روزمره جامعه اختصاص یافته است.

تنها بخش کوچکی از این مجموعه درباره جرایم سنگین و مجازات های شدید سخن می گوید.

این موضوع نشان می دهد که هدف اصلی حمورابی تنها تنبیه

مجرمان نبود، بلکه ایجاد نظم‌ی پایدار برای زندگی میلیون‌ها نفر در سراسر امپراتوری به شمار می‌رفت.

قوانین این مجموعه را می‌توان در چند بخش اصلی تقسیم‌بندی کرد.

نخست، قوانینی که به دادگاه‌ها، شهادت، قضاوت و اجرای عدالت مربوط می‌شوند.

دوم، قوانینی که مالکیت، زمین، کشاورزی و منابع آب را تنظیم می‌کنند.

سوم، مقررات مربوط به تجارت، قراردادهای وام و فعالیت‌های اقتصادی.

چهارم، قوانین خانواده شامل ازدواج، طلاق، ارث و فرزندانگی.

پنجم، مقررات مربوط به بردگان و خدمتکاران.

ششم، قوانین مربوط به حرفه هایی مانند پزشکی، معماری،
کشتی سازی و دامداری.

در پایان نیز قوانینی قرار دارند که به جرایم، مجازات ها و
مسئولیت افراد در برابر جامعه می پردازند.

این تقسیم بندی به ما کمک می کند تا قانون نامه را نه به
عنوان فهرستی از مواد قانونی، بلکه به عنوان نظامی کامل
برای اداره یک تمدن بررسی کنیم.

نخستین گروه از قوانین، به دستگاه قضایی و اجرای عدالت
اختصاص دارد.

حمورابی باور داشت که اعتبار حکومت به درستی عملکرد
دادگاه ها وابسته است.

اگر مردم به قاضی اعتماد نداشته باشند، اختلاف ها به
خشونت و انتقام شخصی تبدیل خواهد شد و نظم جامعه از
میان خواهد رفت.

به همین دلیل، قانون نامه از همان آغاز بر صداقت در دادگاه،
اعتبار شهادت، مسئولیت قضات و لزوم رسیدگی دقیق به
دعاوی تأکید می کند.

قضاتی که حکم نادرست صادر می کردند یا بعدها رأی خود
را بدون دلیل قانونی تغییر می دادند، با مجازات های سنگینی
روبه رو می شدند.

این قوانین نشان می دهند که حتی مقام های حکومتی نیز در
برابر قانون مسئول شناخته می شدند.

اتهام های بی اساس نیز جایگاه مهمی در قانون نامه دارند.

اگر فردی دیگری را به ارتکاب جرمی سنگین متهم می کرد،
موظف بود ادعای خود را ثابت کند.

در صورتی که موفق به ارائه دلیل نمی شد، خود او با
مجازات روبه رو می گردید.

هدف این مقررات جلوگیری از سوء استفاده از دستگاه
قضایی و حفظ اعتبار دادگاه ها بود.

در جامعه ای که آبرو و اعتبار اجتماعی اهمیت فراوانی
داشت، طرح یک اتهام دروغین می توانست زندگی یک
انسان را به طور کامل نابود کند.

حمورابی تلاش کرد با چنین قوانینی از گسترش این گونه
رفتارها جلوگیری کند.

برخی دعاوی نیز از راه آزمون های مذهبی حل و فصل می
شدند.

در مواردی که اثبات حقیقت امکان پذیر نبود، متهم باید در
آزمونی الهی شرکت می کرد.

مشهورترین نمونه، آزمون رودخانه بود.

در این روش، فرد متهم وارد آب رودخانه می شد و سرنوشت
او به داورى خدایان سپرده می شد.

اگر سالم از آب بیرون می آمد، بی گناه شناخته می شد و اگر
جان خود را از دست می داد، مجرم تلقی می گردید.

امروزه چنین روشی غیر منطقی به نظر می رسد، اما برای
مردم میان رودان که باور عمیقی به دخالت خدایان در امور
انسان ها داشتند، این شیوه بخشی طبیعی از نظام قضایی
محسوب می شد.

در مجموع، قوانین مربوط به دادگاه ها و اجرای عدالت حدود
بسیست ماده نخست قانون نامه را تشکیل می دهند.

این مواد پایه های نظام حقوقی بابل را شکل می دادند و مسیر رسیدگی به اختلاف ها را مشخص می کردند.

حمورابی پیش از آنکه درباره تجارت، خانواده یا مجازات ها سخن بگوید، تلاش کرد اصول قضاوت را روشن سازد، زیرا به خوبی می دانست که بدون وجود دادگاه هایی منظم و قابل اعتماد، هیچ قانونی نمی تواند در جامعه اجرا شود.

قوانین مالکیت، کشاورزی و مدیریت زمین

پس از آنکه قانون نامه اصول کلی دادرسی و شیوه رسیدگی به اختلاف های حقوقی را مشخص می کند، توجه خود را به مهم ترین ستون اقتصاد بابل معطوف می سازد، یعنی زمین و کشاورزی.

در روزگار حمورابی، ثروت یک پادشاهی بیش از هر چیز به حاصلخیزی زمین های آن وابسته بود.

اگر کشاورزی رونق داشت، مردم از امنیت غذایی برخوردار بودند، تجارت گسترش می یافت و خزانه حکومت نیز سرشار از درآمد می شد.

اما اگر زمین ها بر اثر بی توجهی، خشکسالی یا نابسامانی از میان می رفتند، نه تنها اقتصاد، بلکه ثبات سیاسی کشور نیز

با خطر جدی روبه رو می شد.

به همین دلیل، بخش قابل توجهی از قانون نامه به حفظ زمین های کشاورزی، مدیریت آب و تعیین مسئولیت صاحبان زمین اختصاص یافته است.

یکی از مهم ترین موضوعاتی که در این بخش از قوانین دیده می شود، نگهداری از کانال های آبیاری است.

زندگی مردم بابل به آب رودهای دجله و فرات وابسته بود و شبکه گسترده کانال ها وظیفه انتقال این آب به مزارع را بر عهده داشت.

اگر یکی از مالکان در نگهداری کانال مربوط به زمین خود کوتاهی می کرد و این بی توجهی باعث شکستن سد یا جاری شدن سیلاب می شد، قانون او را مسئول تمامی خسارت های وارد شده به زمین های همسایه می دانست.

در چنین شرایطی، فرد خاطی موظف بود زیان کشاورزان دیگر را جبران کند و اگر توانایی پرداخت نداشت، اموال او برای پرداخت خسارت فروخته می شد.

این قانون نشان می دهد که حمورابی مسئولیت اجتماعی را بخش مهمی از زندگی اقتصادی می دانست و هیچ کس اجازه نداشت بی توجهی خود را بر دیگران تحمیل کند.

قانون نامه همچنین درباره اجاره زمین های کشاورزی مقررات دقیقی تعیین کرده بود.

بسیاری از زمین ها متعلق به معابد، اشراف یا حکومت بودند و کشاورزان آن ها را برای مدت مشخصی اجاره می کردند. قانون حقوق و وظایف هر دو طرف را به روشنی مشخص می کرد.

اگر کشاورز زمین را به درستی کشت نمی کرد و باعث کاهش محصول می شد، مسئول جبران خسارت بود.

در مقابل، اگر محصول بر اثر سیل، خشکسالی یا رویدادهایی که خارج از اختیار کشاورز بودند از بین می رفت، قانون با انعطاف بیشتری برخورد می کرد و او را به پرداخت غرامتی که توانایی آن را نداشت مجبور نمی ساخت.

این تفاوت نشان می دهد که قانون میان سهل انگاری انسان و حوادث طبیعی تمایز قائل می شد.

یکی دیگر از موضوعات مهم، مالکیت باغ ها و نخلستان ها بود.

خرما یکی از مهم ترین محصولات کشاورزی بابل به شمار می رفت و نخلستان ها ارزش اقتصادی فراوانی داشتند.

اگر فردی باغی را برای چند سال اجاره می کرد، موظف بود از درختان نگهداری کند و پس از پایان قرارداد، آن را در وضعیت مناسب به مالک بازگرداند.

در صورتی که در اثر بی توجهی او بخشی از باغ از بین می رفت، قانون وی را مسئول جبران خسارت می دانست. این مقررات نشان می دهد که حفاظت از منابع تولید، از دیدگاه حمورابی اهمیت فراوانی داشت.

قوانین مربوط به دامداری نیز در همین بخش قرار می گیرند. اگر گله فردی وارد مزرعه دیگری می شد و به محصولات کشاورزی آسیب می رساند، صاحب دام موظف بود خسارت وارد شده را جبران کند.

همچنین اگر چوپانی در نگهداری دام ها کوتاهی می کرد و باعث مرگ یا گم شدن آن ها می شد، در برابر مالک مسئول شناخته می شد.

در مقابل، اگر حیوانات بر اثر حمله جانوران وحشی یا رویدادهایی خارج از کنترل چوپان از بین می رفتند، شرایط متفاوتی در نظر گرفته می شد.

این قوانین نشان می دهند که قانون نامه تنها به تعیین مجازات نمی پرداخت، بلکه تلاش می کرد میان مسئولیت انسان و حوادث غیر قابل پیش بینی تفاوت قائل شود.

بخش دیگری از این قوانین به خانه ها و املاک اختصاص دارد.

خرید و فروش زمین، اجاره ساختمان ها و انتقال مالکیت باید بر اساس قراردادهای مشخص انجام می شد.

وجود شاهدان و ثبت قراردادها اهمیت فراوانی داشت، زیرا در صورت بروز اختلاف، دادگاه بر پایه همین اسناد تصمیم گیری می کرد.

در جامعه ای که تجارت و مالکیت خصوصی به سرعت در حال گسترش بود، چنین مقرراتی نقش مهمی در کاهش اختلاف های حقوقی داشت.

سرقت محصولات کشاورزی، تخریب عمدی زمین یا تصرف غیر قانونی املاک نیز از جمله جرایمی بودند که قانون برای آن ها مجازات تعیین کرده بود.

حکومت به خوبی می دانست که امنیت اقتصادی بدون حمایت از مالکیت امکان پذیر نیست.

به همین دلیل، هرگونه تعرض به زمین، محصول یا دارایی دیگران نه تنها زیانی شخصی، بلکه تهدیدی برای نظم عمومی جامعه به شمار می رفت.

این نگاه، یکی از پایه های اصلی سیاست اقتصادی حمورابی بود.

در مجموع، قوانین مربوط به کشاورزی، مالکیت و مدیریت زمین، بخش بزرگی از قانون نامه را تشکیل می دهند و اهمیت فوق العاده اقتصاد کشاورزی را در تمدن بابل آشکار می سازند.

این مواد قانونی نشان می دهند که حمورابی به خوبی دریافته بود که قدرت یک امپراتوری تنها با پیروزی در میدان نبرد حفظ نمی شود.

ثبات حکومت به زمین های حاصلخیز، کانال های سالم،
کشاورزان مسئول و قوانینی وابسته بود که بتوانند از این
سرمایه های حیاتی محافظت کنند.

قوانین تجارت، قراردادهای و فعالیت های اقتصادی

یکی از مهم ترین دلایل شکوفایی بابل در دوران فرمانروایی حمورابی، رونق بازرگانی بود.

این شهر در محل تلاقی مهم ترین مسیرهای تجاری میان رودان قرار داشت و کاروان هایی که از شمال، جنوب، شرق و غرب حرکت می کردند، اغلب از بابل عبور می کردند. بازرگانان کالاهای گوناگونی همچون چوب، فلز، سنگ های گرانبها، پارچه، روغن، ادویه، دام و غلات را میان سرزمین های مختلف جابه جا می کردند و همین داد و ستد گسترده، ثروت فراوانی را وارد امپراتوری می ساخت.

حمورابی به خوبی می دانست که اقتصادی پویا بدون وجود قوانین روشن نمی تواند دوام بیاورد.

اگر قراردادها اعتبار نداشته باشند، اگر بدهکاران به تعهدات خود عمل نکنند یا اگر بازرگانان از امنیت سرمایه خود اطمینان نداشته باشند، تجارت به سرعت دچار رکود خواهد شد.

به همین دلیل، بخش بزرگی از قانون نامه به تنظیم روابط اقتصادی اختصاص یافته است.

یکی از نخستین موضوعاتی که در این بخش مورد توجه قرار می گیرد، اعتبار قراردادهای مکتوب است.

در بابل، بسیاری از معاملات بر روی لوح های گلی ثبت می شدند و شاهدان نیز در هنگام تنظیم قرارداد حضور داشتند.

این اسناد بعدها در صورت بروز اختلاف، در دادگاه به عنوان مدرک مورد استفاده قرار می گرفتند.

قانون نامه تأکید می کند که توافق های مالی باید روشن، ثبت شده و مورد تأیید طرفین باشند.

این اصل از بسیاری از اختلاف های احتمالی جلوگیری می کرد و اعتماد میان بازرگانان را افزایش می داد.

وام و بدهی نیز جایگاه مهمی در اقتصاد بابل داشت.

کشاورزان برای کشت زمین، بازرگانان برای خرید کالا و صنعتگران برای گسترش فعالیت خود گاه ناچار بودند سرمایه مورد نیاز را از دیگران قرض بگیرند.

قانون نامه شرایط بازپرداخت این وام ها را مشخص می کرد و حقوق و وظایف وام دهنده و وام گیرنده را به دقت توضیح می داد.

اگر بدهکار در موعد مقرر توانایی پرداخت بدهی خود را داشت اما از انجام آن خودداری می کرد، قانون از طلبکار حمایت می نمود.

اما اگر ناتوانی او نتیجه حوادثی مانند سیل، خشکسالی یا نابودی محصول بود، در برخی موارد قانون شرایط آسان تری برای بازپرداخت در نظر می گرفت.

این موضوع نشان می دهد که قانون تنها به منافع طلبکار توجه نداشت، بلکه شرایط واقعی زندگی مردم را نیز در نظر می گرفت.

یکی دیگر از موضوعات مهم، سپردن کالا یا سرمایه به نمایندگان تجاری بود.

بسیاری از بازرگانان شخصاً به سفرهای طولانی نمی رفتند و سرمایه خود را در اختیار افرادی قرار می دادند که از طرف آنان تجارت انجام دهند.

قانون نامه مسئولیت این نمایندگان را به روشنی مشخص کرده بود.

اگر آنان در نگهداری سرمایه کوتاهی می کردند، اموال را به نفع خود تصاحب می نمودند یا گزارش نادرستی ارائه می دادند، موظف به جبران خسارت بودند.

در مقابل، اگر زیان ناشی از حمله راهزنان یا حوادثی خارج از اختیار آنان بود، دادگاه شرایط را به طور جداگانه بررسی می کرد.

این مقررات، امنیت بیشتری برای سرمایه گذاری و تجارت ایجاد می کرد.

قانون نامه همچنین درباره نگهداری امانت مقررات دقیقی دارد.

اگر فردی کالا، نقره، غله یا هر دارایی دیگری را نزد شخصی به امانت می گذاشت، گیرنده امانت موظف بود از آن به درستی محافظت کند و هنگام مطالبه، آن را بازگرداند. در صورت انکار یا تصرف غیر قانونی امانت، قانون مجازات هایی برای فرد خاطی در نظر گرفته بود. وجود چنین قوانینی باعث می شد اعتماد میان مردم افزایش یابد و روابط اقتصادی با اطمینان بیشتری ادامه پیدا کند. در این بخش، مقررات مربوط به حمل و نقل نیز دیده می شود.

اگر فردی کشتی، ارابه یا حیوان بارکش را برای جابه جایی کالا اجاره می کرد، مسئولیت حفظ آن در طول مدت قرارداد بر عهده او بود.

همچنین صاحبان کشتی ها و حمل کنندگان کالا موظف بودند وظایف خود را با دقت انجام دهند و در صورت بی احتیاطی، خسارت وارد شده را جبران کنند.

این قوانین نشان می دهند که تجارت در بابل تا اندازه ای گسترش یافته بود که حتی برای جزئیات حمل و نقل نیز مقررات مشخصی وجود داشت.

دستمزد کارگران و صنعتگران نیز در قانون نامه تعیین شده بود.

حمورابی برای بسیاری از مشاغل، میزان مشخصی از دستمزد یا حق الزحمه را تعیین کرد تا از اختلاف میان کارفرما و کارگر جلوگیری شود.

این مقررات شامل گروه های مختلفی مانند کشاورزان، دامداران، قایقرانان، صنعتگران و دیگر صاحبان حرفه می شد.

وجود چنین قوانینی نشان می دهد که حکومت تنها به دریافت مالیات توجه نداشت، بلکه تلاش می کرد روابط اقتصادی میان مردم نیز بر پایه اصولی روشن و عادلانه تنظیم شود. در برخی مواد قانونی، با تقلب و کلاهبرداری نیز برخورد شده است.

اگر بازرگانی در اندازه گیری کالا تقلب می کرد، اگر فروشنده کالایی را برخلاف واقع معرفی می نمود یا اگر

فردی با نیرنگ قصد تصاحب اموال دیگران را داشت، قانون او را مستحق مجازات می دانست.

صداقت در معاملات از دیدگاه حمورابی یکی از پایه های ثبات اقتصادی بود و هر اقدامی که اعتماد عمومی را از میان ببرد، تهدیدی برای رفاه جامعه محسوب می شد.

در مجموع، قوانین مربوط به تجارت و قراردادهای، تصویری روشن از اقتصادی پیشرفته و سازمان یافته ارائه می دهند. برخلاف تصور بسیاری از مردم، اقتصاد بابل تنها بر مبادله ساده کالا استوار نبود، بلکه شبکه ای پیچیده از قراردادهای، وام ها، سرمایه گذاری ها، نمایندگی های تجاری و اسناد حقوقی در آن جریان داشت.

حمورابی با تدوین این قوانین، تلاش کرد امنیت اقتصادی را
تضمین کند و شرایطی فراهم آورد که تجارت بتواند بدون
آشفته‌گی و بی‌اعتمادی به رشد خود ادامه دهد.

قوانین مربوط به حرفه ها، پزشکی، معماری و مسئولیت

یکی از ویژگی های برجسته قانون نامه حمورابی این است که تنها به روابط میان اعضای خانواده، بازرگانان یا مالکان زمین محدود نمی شود، بلکه برای بسیاری از حرفه های تخصصی نیز مقررات روشنی تعیین می کند.

این موضوع نشان می دهد که جامعه بابل تا چه اندازه از نظر اقتصادی و اجتماعی پیشرفته بوده است.

در امپراتوری حمورابی، پزشکان، معماران، کشتی سازان، دامپزشکان، چوپانان، صنعتگران و بسیاری از صاحبان حرفه های دیگر، وظایف مشخصی داشتند و قانون نیز آنان را در برابر نتیجه کارشان مسئول می دانست.

در حقیقت، یکی از مهم ترین اصول این بخش آن است که مهارت، قدرت و تخصص، همواره باید با مسئولیت پذیری همراه باشد.

پزشکان از جایگاه ویژه ای در جامعه بابل برخوردار بودند. در زمانی که بسیاری از بیماری ها هنوز ناشناخته بودند و امکانات درمانی بسیار محدود بود، پزشکی حرفه ای ارزشمند و پر احترام به شمار می رفت.

با این حال، قانون نامه تنها به احترام پزشکان بسنده نکرده و مسئولیت سنگینی نیز بر دوش آنان گذاشته است.

اگر پزشکی با استفاده از ابزار جراحی، بیماری را با موفقیت درمان می کرد یا جان او را نجات می داد، حق الزحمه مشخصی دریافت می کرد که میزان آن بر اساس جایگاه اجتماعی بیمار تعیین می شد.

اما اگر همان عمل جراحی به دلیل خطای پزشک موجب مرگ بیمار یا آسیب جدی می شد، قانون مجازات های بسیار سختی برای او در نظر می گرفت.

این قوانین اگرچه از نگاه امروز بسیار شدید به نظر می رسند، اما نشان می دهند که حکومت تا چه اندازه سلامت مردم را مهم می دانست و از صاحبان حرفه انتظار دقت و مهارت کامل داشت.

معماران نیز مسئولیت سنگینی بر عهده داشتند. در جامعه ای که شهرها به سرعت گسترش می یافتند و خانه های بسیاری ساخته می شدند، کیفیت ساخت و ساز اهمیت فراوانی داشت.

قانون نامه تصریح می کند که اگر معماری خانه ای بسازد و آن ساختمان بر اثر ضعف ساخت فرو بریزد و موجب مرگ

صاحب خانه شود، معمار مسئول شناخته می شود و با

مجازات بسیار سنگینی روبه رو خواهد شد.

اگر در اثر فرو ریختن ساختمان، اموال از بین بروند، معمار

موظف به جبران کامل خسارت خواهد بود و باید خانه را با

هزینه خود دوباره بسازد.

این مقررات از مشهورترین مواد قانون نامه حمورابی هستند

و به روشنی نشان می دهند که کیفیت کار و مسئولیت حرفه

ای تا چه اندازه برای حکومت اهمیت داشته است.

کشتی سازان نیز قوانین ویژه خود را داشتند.

رودهای دجله و فرات مهم ترین راه های ارتباطی میان

شهرهای بابل بودند و بخش بزرگی از حمل و نقل کالا از

طریق کشتی انجام می شد.

اگر کشتی سازی شنوری می ساخت که به دلیل نقص در ساخت، آسیب می دید یا از بین می رفت، قانون او را موظف به تعمیر یا جبران خسارت می دانست.

این موضوع نشان می دهد که حتی در زمینه صنایع دریایی نیز استانداردهایی مشخص وجود داشته است و سازندگان نمی توانستند بدون پاسخگویی، محصولی بی کیفیت ارائه دهند.

چوپانان و دامداران نیز مسئول نگهداری از دام هایی بودند که به آنان سپرده می شد.

اگر گله ای بر اثر سهل انگاری چوپان از بین می رفت یا حیوانات گم می شدند، او باید خسارت مالک را پرداخت می کرد.

اما اگر دام ها در نتیجه حمله حیوانات درنده یا رویدادهایی خارج از اختیار چوپان از میان می رفتند و او می توانست

این موضوع را ثابت کند، قانون مسئولیت را از دوش او بر می داشت.

این تفاوت بار دیگر نشان می دهد که قانون نامه میان بی احتیاطی انسان و حوادث طبیعی تمایز قائل می شد.

در بخش دیگری از این قوانین، اجاره نیروی کار و استفاده از حیوانات بارکش نیز مورد توجه قرار گرفته است.

اگر فردی گاو، الاغ یا هر حیوان دیگری را برای انجام کاری اجاره می کرد، موظف بود از آن به درستی نگهداری کند.

در صورت آسیب رساندن به حیوان بر اثر بی احتیاطی، قانون او را مسئول جبران خسارت می دانست.

همچنین برای اجاره قایق، ابزار کشاورزی و برخی تجهیزات دیگر نیز مقررات مشخصی وجود داشت تا از بروز اختلاف میان طرفین جلوگیری شود.

یکی از نکات جالب توجه در این بخش، تعیین دستمزد بسیاری از مشاغل است.

حمورابی برای برخی حرفه ها، از جمله پزشکان، دامپزشکان، کارگران، قایقرانان و دیگر صاحبان مهارت، میزان مشخصی از حق الزحمه تعیین کرده بود. هدف از این کار، جلوگیری از سوء استفاده و ایجاد تعادل در روابط اقتصادی بود.

هم کارفرما می دانست چه مبلغی باید پرداخت کند و هم صاحب حرفه از حقوق قانونی خود آگاه بود.

این اقدام را می توان یکی از نخستین نمونه های تعیین تعرفه خدمات در تاریخ حقوق جهان دانست.

اگرچه برخی مجازات های این بخش امروزه بسیار سخت گیرانه به نظر می رسند، اما باید آن ها را در چارچوب جامعه ای بررسی کرد که امنیت، کیفیت کار و مسئولیت فردی را برای حفظ نظم عمومی ضروری می دانست.

در آن دوران، فرو ریختن یک خانه، نابودی یک کشتی یا خطای یک پزشک می توانست زندگی خانواده های بسیاری را تحت تأثیر قرار دهد.

به همین دلیل، قانون گذار تلاش کرده بود با تعیین مسئولیت های روشن، افراد را به دقت بیشتر در انجام وظایف خود وادار کند.

در مجموع، قوانین مربوط به حرفه ها نشان می دهند که

حمورابی تنها به دنبال مجازات مجرمان نبود.

او می خواست جامعه ای ایجاد کند که در آن هر فرد، صرف

نظر از جایگاه اجتماعی یا نوع شغل خود، در برابر نتیجه

کارش پاسخگو باشد.

این اندیشه، یعنی پیوند میان تخصص و مسئولیت، یکی از

مهم ترین ویژگی های قانون نامه او به شمار می رود و حتی

امروز نیز در بسیاری از نظام های حقوقی جهان، اصلی

اساسی محسوب می شود.

جرائم، مجازات ها و اصل چشم در برابر چشم

در میان تمام بخش های قانون نامه حمورابی، هیچ قسمت به اندازه قوانین مربوط به جرائم و مجازات ها شهرت نیافته است.

بیشتر مردم، هنگامی که نام حمورابی را می شنوند، نخستین چیزی که به ذهنشان می رسد جمله معروف «چشم در برابر چشم و دندان در برابر دندان» است.

این عبارت در طول قرن ها بارها در کتاب ها، فیلم ها، آثار تاریخی و پژوهش های حقوقی تکرار شده و به نمادی از عدالت در جهان باستان تبدیل شده است.

با این حال، بسیاری از مردم تصور نادرستی از مفهوم واقعی این اصل دارند و گمان می کنند که تمام قانون نامه تنها بر پایه انتقام بنا شده است.

در حالی که بررسی دقیق متن قوانین نشان می دهد این اصل تنها بخشی از نظام حقوقی حمورابی را تشکیل می داد و هدف اصلی آن، محدود کردن انتقام شخصی و تعیین مجازاتی متناسب با جرم بود.

پیش از شکل گیری حکومت های منظم، بسیاری از اختلاف ها از طریق انتقام های خانوادگی حل و فصل می شدند. اگر فردی کشته می شد، خانواده او ممکن بود چند نفر از خانواده قاتل را به قتل برسانند.

اگر مالی به سرقت می رفت، نزاع های طولانی میان خاندان ها آغاز می شد و گاه این دشمنی ها نسل ها ادامه پیدا می کرد.

حمورابی تلاش کرد این چرخه پایان ناپذیر خشونت را متوقف کند.

او اعلام کرد که تنها دادگاه حق تعیین مجازات را دارد و میزان کیفر باید با جرم انجام شده تناسب داشته باشد. به این ترتیب، انتقام شخصی جای خود را به اجرای قانون داد و حکومت به تنها مرجع رسیدگی به جرایم تبدیل شد.

اصل «چشم در برابر چشم» دقیقاً از همین اندیشه سرچشمه می گرفت.

اگر فردی به دیگری آسیب جسمی وارد می کرد، قانون تلاش می کرد مجازاتی هم اندازه با همان آسیب تعیین کند.

هدف این نبود که خشونت تشویق شود، بلکه می خواست از مجازات های بی اندازه و انتقام های پایان ناپذیر جلوگیری شود.

برای مثال، اگر فردی تنها یک آسیب جزئی وارد کرده بود، خانواده قربانی دیگر نمی توانستند جان چند نفر را در پاسخ آن بگیرند.

قانون، حدود مشخصی برای مجازات تعیین می کرد و همه موظف بودند از همان حدود پیروی کنند.

با این حال، اجرای این اصل برای همه افراد جامعه یکسان نبود.

جامعه بابل بر پایه طبقات اجتماعی سازمان یافته بود و جایگاه افراد بر نوع مجازات تأثیر می گذاشت.

اگر دو فرد آزاد از طبقه مشابه به یکدیگر آسیب می رساندند، معمولاً اصل مقابل به مثل اجرا می شد.

اما اگر قربانی از طبقه اجتماعی پایین تر یا برده بود، در بسیاری از موارد مجازات به پرداخت غرامت مالی تبدیل می شد.

این تفاوت ها امروز با مفهوم برابری در برابر قانون سازگار نیست، اما در جامعه چهار هزار سال پیش، ساختار طبقاتی بخش جدایی ناپذیر زندگی اجتماعی بود و تقریباً همه تمدن های هم عصر نیز قوانین مشابهی داشتند.

سرقت از مهم ترین جرایمی بود که قانون نامه با شدت با آن برخورد می کرد.

سرقت از معابد یا اموال حکومت، یکی از سنگین ترین جرم ها به شمار می رفت و در بسیاری از موارد مجازات مرگ برای آن در نظر گرفته شده بود.

علت این سخت گیری آن بود که معابد تنها مراکز مذهبی نبودند، بلکه نقش خزانه، انبار غله، مرکز اقتصادی و حتی نهاد اداری را نیز ایفا می کردند.

دست اندازی به اموال معبد، از دیدگاه مردم آن زمان، هم جرمی علیه حکومت بود و هم بی احترامی به خدایان.

سرقت از اموال خصوصی نیز با مجازات های سنگین و الزام به بازگرداندن چند برابر ارزش مال همراه بود تا دیگران از ارتکاب چنین جرمی بازداشته شوند.

آدم ربایی نیز از جمله جرم هایی بود که قانون نامه برای آن مجازات بسیار سختی تعیین کرده بود.

ربودن کودکان یا افراد آزاد، تهدیدی جدی برای امنیت جامعه محسوب می شد و حکومت تلاش می کرد با برخورد قاطع، از گسترش چنین جرمی جلوگیری کند.

همچنین اگر برده ای از صاحب خود فرار می کرد و شخصی آگاهانه او را پنهان می ساخت، قانون برای این اقدام نیز مجازات هایی در نظر گرفته بود.

این قوانین بازتاب ساختار اقتصادی جامعه بابل هستند که در آن برده داری بخشی از نظام تولید و زندگی روزمره محسوب می شد.

شهادت دروغ نیز از دیدگاه حمورابی جرمی بسیار خطرناک بود.

اگر کسی در دادگاه به دروغ علیه دیگری شهادت می داد و این شهادت می توانست به صدور حکمی سنگین منجر شود، قانون او را مستحق همان مجازاتی می دانست که قصد داشت بر قربانی تحمیل کند.

به این ترتیب، حکومت می کوشید اعتبار دادگاه ها را حفظ کند و مردم را از ارائه شهادت های نادرست باز دارد. این اصل نشان می دهد که حتی در آن دوران نیز حقیقت در روند دادرسی، ارزشی اساسی به شمار می رفت.

در برخی جرایم، قانون به جای مجازات بدنی، پرداخت غرامت مالی را پیش بینی کرده بود. اگر فردی باعث آسیب به اموال دیگری می شد، موظف بود زیان وارد شده را جبران کند.

در بسیاری از اختلاف های اقتصادی، هدف قانون بازگرداندن حق زیان دیده بود، نه صرفاً مجازات مجرم.

این موضوع نشان می دهد که قانون نامه حمورابی تنها بر مجازات تکیه نداشت و در بسیاری از موارد، جبران خسارت را بهترین راه بازگرداندن عدالت می دانست.

هرچند امروزه برخی از مجازات های این قانون نامه بسیار خشن و غیر انسانی به نظر می رسند، اما باید به خاطر داشت که این قوانین متعلق به نزدیک چهار هزار سال پیش هستند. در آن زمان، بیشتر تمدن های جهان مجازات هایی مشابه یا حتی شدیدتر داشتند.

آنچه قانون نامه حمورابی را از بسیاری از نظام های حقوقی هم عصر خود متمایز می کند، تنها شدت مجازات ها نیست، بلکه تلاش برای تعیین قواعدی روشن، محدود کردن انتقام

شخصی و واگذاری اجرای عدالت به حکومت مرکزی است.

همین ویژگی باعث شد قانون، جایگزین انتقام های بی پایان

خانوادگی شود و امنیت بیشتری در جامعه برقرار گردد.

در مجموع، قوانین مربوط به جرایم و مجازات ها تصویری

روشن از نگرش مردم بابل به عدالت، نظم و مسئولیت فردی

ارائه می دهند.

برای آنان، عدالت به معنای برقراری تعادل در جامعه بود و

حکومت وظیفه داشت این تعادل را با استفاده از قوانین حفظ

کند.

اگرچه برداشت انسان امروزی از حقوق بشر و عدالت تفاوت
های فراوانی با جهان باستان دارد، اما نمی توان انکار کرد
که قانون نامه حمورابی یکی از نخستین گام های بزرگ بشر
در مسیر تبدیل عدالت از انتقام شخصی به نظامی قانونی و
سازمان یافته بود.

مواد ۱ تا ۲۵ قانون نامه حمورابی

پس از آشنایی با ساختار کلی قانون نامه، اکنون زمان آن رسیده است که مواد این مجموعه را به ترتیب شماره بررسی کنیم.

اگرچه بسیاری از این قوانین کوتاه هستند، اما هر یک بازتاب دهنده بخشی از زندگی مردم بابل، نگرش حکومت به عدالت و شیوه اداره جامعه در نزدیک به چهار هزار سال پیش هستند.

برخی مواد تنها یک یا دو جمله دارند، اما در پس همان چند جمله، نظامی کامل از اندیشه های حقوقی نهفته است.

در این فصل، بیست و پنج ماده نخست قانون نامه را بررسی می کنیم که بیشتر آن ها به دادگاه، شهادت، قضاوت و حفظ نظم عمومی مربوط هستند.

ماده ۱

اگر فردی شخص دیگری را به ارتکاب قتل متهم کند اما نتواند ادعای خود را ثابت نماید، خود او به مرگ محکوم خواهد شد.

این قانون نشان می دهد که طرح اتهام سنگین بدون مدرک، جرمی بسیار خطرناک محسوب می شد.

حمورابی می خواست از نابود شدن آبرو و جان افراد بر اثر اتهام های دروغین جلوگیری کند.

ماده ۲

اگر در پرونده ای حقیقت روشن نباشد، فرد متهم باید در
آزمون رودخانه شرکت کند.

اگر رودخانه جان او را بگیرد، گناهکار شناخته می شود و
اگر سالم بازگردد، بی گناه محسوب خواهد شد.
این ماده بازتاب باور عمیق مردم بابل به داوری خدایان است.
رودخانه از دید آنان ابزار اجرای عدالت الهی بود.

ماده ۳

اگر فردی در دادگاه شهادت دروغ بدهد و ادعای او ثابت
نشود، مجازات همان جرمی را خواهد داشت که قصد داشت
بر دیگری تحمیل کند.

این قانون اهمیت صداقت در نظام قضایی را نشان می دهد.
شهادت نادرست می توانست سرنوشت انسان ها را تغییر دهد
و به همین دلیل با شدت با آن برخورد می شد.

ماده ۴

اگر موضوع دعوا درباره غله، نقره یا اموال باشد و شاهد
دروغ بگوید، موظف است خسارت کامل را جبران کند و
مجازات قانونی را نیز بپذیرد.

در این ماده، قانون میان جرایم مالی و جرایم جانی تفاوت
قائل شده و مجازات را متناسب با نوع پرونده تعیین کرده
است.

ماده ۵

اگر قاضی حکمی صادر کند و پس از ثبت رسمی آن بدون دلیل قانونی رأی خود را تغییر دهد، باید جریمه سنگینی بپردازد و برای همیشه از مقام قضاوت برکنار شود.

این ماده یکی از پیشرفته ترین قوانین قانون نامه است، زیرا حتی قضات نیز در برابر قانون مسئول شناخته شده اند.

ماده ۶

اگر کسی اموال معبد یا دارایی حکومت را سرقت کند، مجازات او مرگ خواهد بود.

کسی که اموال دزدیده شده را آگاهانه خریداری کند نیز همان مجازات را خواهد داشت.

در جامعه بابل، اموال معابد بخشی از دارایی عمومی و مقدس به شمار می رفتند و تعرض به آن ها حمله به نظم جامعه تلقی می شد.

ماده ۷

اگر فردی بدون حضور شاهد یا قرارداد رسمی، طلا، نقره، برده، دام یا هر مال ارزشمند دیگری را خریداری کند، دزد شناخته می شود.

این قانون مردم را به ثبت قانونی معاملات و حضور شاهدان تشویق می کرد.

ماده ۸

اگر کسی گاو، گوسفند، الاغ، خوک یا قایقی را سرقت کند، باید چندین برابر ارزش آن را به مالک بازگرداند.

اگر توان پرداخت نداشته باشد، مجازات مرگ در انتظار او خواهد بود.

شدت این قانون نشان می دهد که امنیت اقتصادی برای حکومت اهمیت فراوانی داشته است.

ماده ۹

اگر مالک، مال گمشده خود را نزد شخص دیگری پیدا کند و آن شخص ادعا کند آن را به طور قانونی خریده است، هر دو باید مدارک و شاهدان خود را به دادگاه ارائه دهند.

در این ماده، دادگاه نقش مرجع نهایی تشخیص مالکیت را بر عهده دارد.

ماده ۱۰

اگر خریدار نتواند فروشنده یا شاهدان معامله را معرفی کند، دزد شناخته می شود.

هدف این ماده جلوگیری از خرید اموال مسروقه و حمایت از معاملات قانونی است.

ماده ۱۱

اگر مالک نتواند برای اثبات مالکیت خود شاهد یا مدرکی ارائه دهد، ادعای او پذیرفته نمی شود.

قانون، هر دو طرف دعوا را موظف به ارائه دلیل می داند و تنها ادعا را کافی نمی شمارد.

ماده ۱۲

اگر فروشنده یا شاهدان پیش از رسیدگی دادگاه فوت کرده باشند، قاضی بر اساس مدارک موجود تصمیم گیری خواهد کرد.

این ماده نشان می دهد که حتی در شرایط پیچیده نیز روند دادرسی باید ادامه یابد.

ماده ۱۳

اگر شاهدان در دسترس نباشند، دادگاه می تواند برای مدتی رسیدگی را به تعویق بیندازد تا حقیقت روشن شود.

حمورابی ترجیح می داد پیش از صدور حکم، تمامی شواهد بررسی شوند.

ماده ۱۴

اگر فردی کودکی آزاد را بر باید، مجازات او مرگ خواهد بود.

حفاظت از کودکان و جلوگیری از آدم ربایی، یکی از اولویت های حکومت به شمار می رفت.

ماده ۱۵

اگر کسی برده مرد یا زن متعلق به کاخ یا معبد را پنهان کند، به مرگ محکوم خواهد شد.

بردگان در نظام اقتصادی بابل ارزش مالی بالایی داشتند و پنهان کردن آنان جرم بزرگی محسوب می شد.

ماده ۱۶

اگر کسی برده فراری را در خانه خود مخفی کند و او را تحویل مقام های حکومتی ندهد، مجازات مرگ خواهد داشت.

این قانون برای جلوگیری از فرار بردگان و حفظ نظم اقتصادی تدوین شده بود.

ماده ۱۷

اگر فردی برده فراری را پیدا کند و او را به صاحبش بازگرداند، پاداش دریافت خواهد کرد.

حکومت از همکاری مردم در اجرای قانون حمایت می کرد.

ماده ۱۸

اگر برده صاحب خود را نشناسد، مقام های حکومتی موظف اند درباره هویت او تحقیق کنند.

این ماده نشان می دهد که حتی در موضوع بردگان نیز روند
اداری مشخصی وجود داشته است.

ماده ۱۹

اگر صاحب برده شناسایی شود، برده باید به او بازگردانده
شود.

قانون مالکیت را حتی در چنین مواردی نیز به رسمیت می
شناخت.

ماده ۲۰

اگر مالک پیدا نشود، برده تا روشن شدن وضعیت در اختیار
حکومت باقی می ماند.

این ماده از اختلاف های بعدی بر سر مالکیت جلوگیری می
کرد.

ماده ۲۱

اگر کسی برای سرقت دیوار خانه ای را بشکند، در همان محل کشته و دفن خواهد شد.

این قانون با هدف ایجاد بازدارندگی شدید در برابر سرقت منازل تدوین شده بود.

ماده ۲۲

اگر فردی هنگام سرقت دستگیر شود، مجازات او مرگ خواهد بود.

سرقت در قانون نامه از مهم ترین جرایم علیه نظم عمومی محسوب می شد.

ماده ۲۳

اگر دزد پیدا نشود، شهر یا فرماندار منطقه موظف است خسارت صاحب مال را جبران کند.

این ماده مسئولیت حکومت در حفظ امنیت مردم را نشان می دهد و از پیشرفته ترین بخش های قانون نامه به شمار می رود.

ماده ۲۴

اگر در جریان یک سرقت، فردی کشته شود و مجرم شناسایی نگردد، حکومت موظف است علاوه بر جبران خسارت، غرامتی نیز به خانواده قربانی بپردازد.

در این ماده، مسئولیت دولت در برابر امنیت شهروندان به روشنی دیده می شود.

ماده ۲۵

اگر هنگام آتش سوزی فردی برای سرقت وارد خانه دیگران شود و از آشفته‌گی سوء استفاده کند، مجازات او مرگ خواهد بود.

حمورابی حتی در زمان وقوع حوادث نیز اجازه سوء استفاده از شرایط مردم را نمی‌داد.

این بیست و پنج ماده نخست، بنیان نظام قضایی قانون نامه را تشکیل می‌دهند.

در آن‌ها بیش از هر چیز بر صداقت، اعتبار دادگاه، مسئولیت حکومت، امنیت اموال و حفظ نظم عمومی تأکید شده است.

هرچند بسیاری از مجازات‌ها از نگاه امروز بسیار سخت

گیرانه به نظر می رسند، اما هدف اصلی آن ها ایجاد
بازدارندگی و جلوگیری از گسترش بی نظمی در جامعه بود.

مواد ۲۶ تا ۵۰ قانون نامه حمورابی

پس از آنکه قانون نامه امنیت عمومی، نظام قضایی و حفاظت از اموال مردم را مورد توجه قرار می دهد، به یکی از مهم ترین پایه های قدرت دولت بابل می پردازد، یعنی ارتش و کشاورزی.

امپراتوری حمورابی بدون سربازانی که از مرزها دفاع کنند و بدون کشاورزانی که غذای مردم و ارتش را تامین نمایند، نمی توانست دوام بیاورد.

به همین دلیل، مواد بیست و شش تا پنجاه قانون نامه، بیشتر به وظایف نظامیان، بهره برداری از زمین های کشاورزی، اجاره مزارع و مسئولیت صاحبان زمین اختصاص یافته اند.

ماده ۲۶

اگر سرباز یا مقام نظامی که از سوی پادشاه برای انجام مأموریت فراخوانده شده است، از حضور در خدمت خودداری کند و شخص دیگری را به جای خود بفرستد، به مرگ محکوم خواهد شد و جانشین او اموالش را تصاحب خواهد کرد.

این ماده نشان می دهد که خدمت نظامی وظیفه ای شخصی بود و هیچ کس اجازه نداشت مسئولیت خود را به دیگری واگذار کند.

ماده ۲۷

اگر سربازی در جنگ اسیر شود و پس از مدتی آزاد گردد، در صورتی که زمین و دارایی او حفظ شده باشد، همه اموالش دوباره به او بازگردانده خواهد شد.

قانون از حقوق سربازانی که برای دفاع از کشور جنگیده بودند حمایت می کرد.

ماده ۲۸

اگر فرزند سرباز اسیر شده توانایی انجام وظایف پدر را داشته باشد، زمین و مسئولیت خانوادگی به او سپرده می شود تا حقوق خانواده از بین نرود.

این قانون از ادامه زندگی خانواده نظامیان حمایت می کرد.

ماده ۲۹

اگر فرزند هنوز کودک باشد و توانایی اداره زمین را نداشته باشد، بخشی از درآمد زمین برای نگهداری خانواده اختصاص داده می شود.

حکومت تلاش می کرد خانواده سربازان در نبود سرپرست
دچار فقر نشوند.

ماده ۳۰

اگر سرباز بدون اجازه پادشاه زمین یا خانه ای را که در
برابر خدمت نظامی دریافت کرده بود رها کند، حق مالکیت
خود را از دست خواهد داد.

زمین های نظامی تنها در برابر انجام خدمت قابل نگهداری
بودند.

ماده ۳۱

اگر غیبت سرباز کمتر از یک سال باشد و پس از بازگشت
دوباره خدمت خود را آغاز کند، اموالش به او بازگردانده می
شود.

قانون میان ترک موقت خدمت و فرار دائمی تفاوت قائل شده است.

ماده ۳۲

اگر سربازی به اسارت دشمن درآید و شخص دیگری برای آزادی او مبلغی پرداخت کند، دولت یا معبد موظف است در صورت ناتوانی خانواده، هزینه آزادی او را تامین کند.

این ماده اهمیت سربازان برای حکومت را نشان می دهد.

ماده ۳۳

هیچ فرمانده ای حق ندارد سربازی را به زور برای انجام کارهای شخصی خود به کار گیرد.

قدرت نظامی نباید وسیله سود شخصی فرماندهان شود.

ماده ۳۴

اگر فرمانده از مقام خود سوء استفاده کند و به سربازان ظلم نماید، مطابق قانون مجازات خواهد شد.

حتی مقام های بلندپایه نیز در برابر قانون مسئول بودند.

ماده ۳۵

زمین هایی که پادشاه به سربازان واگذار کرده بود، قابل فروش نبودند.

این زمین ها بخشی از نظام دفاعی کشور محسوب می شدند.

ماده ۳۶

سرباز نمی توانست زمین نظامی خود را به شخص دیگری منتقل کند.

هدف قانون، حفظ آمادگی نظامی کشور بود.

ماده ۳۷

اگر فردی چنین زمینی را خریداری کند، معامله باطل خواهد بود و زمین به مالک اصلی بازمی گردد.

قانون از انتقال غیر قانونی املاک نظامی جلوگیری می کرد.

ماده ۳۸

سرباز حق نداشت خانه، باغ یا مزرعه ای را که در برابر خدمت دریافت کرده بود برای پرداخت بدهی واگذار کند.

این اموال بخشی از تعهد او به حکومت بودند.

ماده ۳۹

اموال شخصی سرباز که ارتباطی با خدمت نظامی نداشتند، می توانستند خرید و فروش شوند.

قانون میان دارایی شخصی و دارایی وابسته به حکومت
تفاوت قائل می شد.

ماده ۴۰

در برخی شرایط، زنان، بازرگانان یا صاحبان مشاغل نیز می
توانستند زمین هایی را خریداری کنند که مشمول قوانین
نظامی نبودند.

این ماده نشان دهنده وجود مالکیت خصوصی در کنار مالکیت
حکومتی است.

ماده ۴۱

اگر شخصی زمین نظامی را با زمین دیگری معاوضه کند،
معامله فاقد اعتبار خواهد بود.

زمین های وابسته به خدمت نظامی جایگاه ویژه ای در قانون داشتند.

ماده ۴۲

اگر کشاورزی زمینی را اجاره کند اما آن را کشت نکند، باید به اندازه محصول معمول همان زمین به مالک غرامت بپردازد.

قانون از رها شدن زمین های کشاورزی جلوگیری می کرد.

ماده ۴۳

اگر مستاجر زمین را بدون رسیدگی رها کند و موجب نابودی آن شود، موظف است زمین را دوباره آماده کشت کند و خسارت مالک را نیز بپردازد.

این ماده بر مسئولیت بهره بردار نسبت به منابع طبیعی تاکید دارد.

ماده ۴۴

اگر فردی زمینی بایر را برای آباد کردن اجاره کند، باید طی سه سال آن را آماده بهره برداری سازد.

قانون مردم را به گسترش زمین های کشاورزی تشویق می کرد.

ماده ۴۵

اگر مالک، زمین خود را برای کشت اجاره دهد، پس از برداشت محصول سهم تعیین شده خود را دریافت خواهد کرد.

این ماده چارچوب قراردادهای کشاورزی را مشخص می کند.

ماده ۴۶

اگر قرارداد اجاره پیش از برداشت محصول پایان یابد، سهم هر طرف بر اساس مفاد قرارداد محاسبه خواهد شد.

قانون از اختلاف میان مالک و کشاورز جلوگیری می کرد.

ماده ۴۷

اگر کشاورز بخواهد قرارداد خود را برای سال بعد نیز ادامه دهد و مالک موافقت کند، همان شرایط پیشین معتبر خواهد بود.

این ماده ثبات قراردادهای کشاورزی را تضمین می کرد.

ماده ۴۸

اگر سیل، خشکسالی یا طوفان باعث نابودی محصول شود، کشاورز در آن سال از پرداخت بدهی مربوط به محصول معاف خواهد بود و بازپرداخت به سال بعد موکول می شود. این ماده یکی از انسانی ترین قوانین قانون نامه به شمار می رود، زیرا میان کوتاهی انسان و بلایای طبیعی تفاوت قائل می شود.

ماده ۴۹

اگر وام دهنده در برابر وام، زمین کشاورز را به عنوان تضمین دریافت کرده باشد، تنها در چارچوب قرارداد حق استفاده از آن را خواهد داشت.

قانون از سوء استفاده طلبکاران جلوگیری می کرد.

ماده ۵۰

اگر محصول زمین بیش از انتظار باشد، تقسیم سود باید مطابق قرارداد اولیه انجام شود و هیچ یک از طرفین حق تغییر یک جانبه شرایط را ندارد.

این ماده بر اعتبار قراردادها و احترام به توافق های قانونی تاکید می کند.

مواد بیست و شش تا پنجاه به خوبی نشان می دهند که حمورابی امنیت نظامی و امنیت غذایی را دو ستون اصلی قدرت امپراتوری می دانست.

سربازان از حمایت قانون برخوردار بودند، اما در برابر وظایف خود نیز مسئولیت کامل داشتند.

از سوی دیگر، کشاورزان و مالکان زمین نیز موظف بودند منابع طبیعی را به درستی مدیریت کنند و به تعهدات خود پایبند بمانند.

این قوانین تصویری روشن از جامعه ای ارائه می دهند که در آن نظم، مسئولیت پذیری و احترام به قراردادهای پایه های ثبات سیاسی و اقتصادی را تشکیل می دادند.

مواد ۵۱ تا ۷۵ قانون نامه حمورابی

با گسترش امپراتوری بابل، تجارت و داد و ستد بیش از هر زمان دیگری رونق گرفته بود.

کاروان های بازرگانی هر روز در جاده های میان رودان رفت و آمد می کردند، کشاورزان برای کشت زمین وام می گرفتند، بازرگانان سرمایه خود را در اختیار نمایندگان تجاری قرار می دادند و مردم برای خرید زمین، دام یا کالا قراردادهای گوناگونی منعقد می کردند.

چنین اقتصادی بدون وجود قوانین دقیق مالی نمی توانست دوام بیاورد.

به همین دلیل، مواد پنجاه و یک تا هفتاد و پنج قانون نامه
بیشتر به وام، بدهی، بهره، امانت، نمایندگی تجاری و
مسئولیت های مالی اختصاص یافته اند.

این بخش نشان می دهد که اقتصاد بابل بسیار سازمان یافته تر
از آن چیزی بود که بسیاری از مردم امروز تصور می کنند.

ماده ۵۱

اگر بدهکار پس از برداشت محصول توانایی پرداخت وام
خود را داشته باشد، موظف است اصل بدهی و بهره تعیین
شده را مطابق قرارداد بپردازد.

قانون از اعتبار قراردادهای مالی حمایت می کند و
بازپرداخت بدهی را الزامی می داند.

ماده ۵۲

اگر کشاورز به دلیل سهل انگاری شخصی محصولی برداشت نکند، نمی تواند از پرداخت بدهی خودداری کند.

حمورابی میان کوتاهی انسان و حوادث طبیعی تفاوت آشکاری قائل می شود.

ماده ۵۳

اگر مالک کانال آبی را به درستی نگهداری نکند و بر اثر شکستن آن زمین های دیگران زیر آب بروند، موظف است همه خسارت ها را جبران کند.

این ماده یکی از روشن ترین نمونه های مسئولیت مدنی در قانون نامه است.

ماده ۵۴

اگر فرد نتواند خسارت ناشی از شکستن کانال را پرداخت کند، اموال او فروخته می شود و مبلغ به زیان دیدگان پرداخت خواهد شد.

قانون هیچ راهی برای فرار از مسئولیت باقی نمی گذارد.

ماده ۵۵

اگر شخصی برای آبیاری زمین خود دریاچه کانال را باز کند و باعث آسیب به مزرعه همسایه شود، مسئول جبران زیان خواهد بود.

استفاده از منابع مشترک باید با رعایت حقوق دیگران انجام شود.

ماده ۵۶

اگر بر اثر بی احتیاطی یک کشاورز، آب وارد زمین های مجاور شود و محصول آنان نابود گردد، باید معادل محصول از دست رفته را پرداخت کند.

در این ماده نیز مسئولیت فرد نسبت به پیامد رفتار خود مورد تاکید قرار گرفته است.

ماده ۵۷

اگر چوپانی بدون اجازه، گله خود را وارد مزرعه دیگری کند، باید خسارت وارد شده را به طور کامل جبران نماید.

قانون از مالکیت کشاورزان حمایت می کند.

ماده ۵۸

اگر پس از پایان برداشت محصول، دام ها با اجازه وارد زمین شوند، مسئولیتی متوجه چوپان نخواهد بود.

این ماده نشان می دهد که قانون شرایط زمانی را نیز در نظر گرفته است.

ماده ۵۹

اگر فردی درختان باغ دیگری را بدون اجازه قطع کند، موظف به پرداخت غرامت خواهد بود.

حفاظت از باغ ها و نخلستان ها برای اقتصاد بابل اهمیت فراوانی داشت.

ماده ۶۰

اگر شخصی باغی را برای کاشت و نگهداری اجاره کند، پس از رسیدن درختان به باردهی، مالک و باغبان مطابق قرارداد در محصول شریک خواهند بود.

این قانون از سرمایه گذاری بلند مدت در کشاورزی حمایت می کند.

ماده ۶۱

اگر مالک باغ در میانه قرارداد آن را پس بگیرد، باید حقوق باغبان را مطابق مدت فعالیت او پرداخت کند.

هیچ یک از طرفین حق نقض یک جانبه قرارداد را ندارد.

ماده ۶۲

اگر باغبان وظایف خود را انجام ندهد و موجب نابودی باغ شود، مسئول خسارت خواهد بود.

تخصص بدون مسئولیت از دیدگاه قانون ارزشی ندارد.

ماده ۶۳

اگر کشاورز زمینی را اجاره کند اما آن را رها سازد، باید زمین را پیش از بازگرداندن به وضعیت مناسب برساند.

قانون از تخریب منابع تولید جلوگیری می کند.

ماده ۶۴

اگر مالک زمین، شخصی را برای اداره مزرعه استخدام کند، سهم هر طرف مطابق قرارداد تعیین خواهد شد.

قرارداد مهم ترین معیار حل اختلاف است.

ماده ۶۵

اگر قرارداد کتبی وجود داشته باشد، هیچ یک از طرفین حق تغییر شرایط را نخواهد داشت.

اعتبار اسناد مکتوب از پایه های اقتصاد بابل بود.

ماده ۶۶

در صورت بروز اختلاف، دادگاه بر اساس متن قرارداد و شهادت شاهدان رأی صادر خواهد کرد.

قانون، داورى شخصى را نمى پذيرد.

ماده ۶۷

اگر فردى مالى را به امانت دريافت كند، موظف است همان مال را سالم بازگرداند.

نگهدارى از امانت، مسئوليتى قانونى محسوب مى شود.

ماده ۶۸

اگر امین، مال سپرده شده را انکار کند، باید در دادگاه پاسخگو باشد.

قانون از اعتماد عمومی در معاملات حمایت می کند.

ماده ۶۹

اگر خیانت در امانت ثابت شود، امین موظف به جبران کامل خسارت خواهد بود.

در برخی موارد، مجازات های اضافی نیز برای او در نظر گرفته می شد.

ماده ۷۰

اگر خانواده ای برای گذران زندگی ناچار شود بخشی از دارایی خود را در برابر وام به دیگری واگذار کند، شرایط این واگذاری باید به طور رسمی ثبت شود.

این قانون از سوء استفاده در زمان تنگدستی مردم جلوگیری می کرد.

ماده ۷۱

اگر شخصی ملکی را که متعلق به دیگری است بدون اجازه بفروشد، معامله باطل خواهد بود.

هیچ کس حق انتقال دارایی دیگران را ندارد.

ماده ۷۲

اگر فروشنده مالک واقعی نباشد، خریدار باید مال را بازگرداند و فروشنده مسئول خسارت خواهد بود.

این ماده امنیت معاملات را افزایش می‌داد.

ماده ۷۳

اگر مستاجر پس از پایان قرارداد، ملک را تخلیه نکند، دادگاه او را ملزم به اجرای قرارداد خواهد کرد.

احترام به مدت قرارداد یکی از اصول اساسی قانون نامه است.

ماده ۷۴

اگر موجر برخلاف قرارداد مانع استفاده مستاجر از ملک شود، موظف به جبران زیان خواهد بود.

قانون تنها از مالک حمایت نمی کند، بلکه حقوق مستاجر را نیز به رسمیت می شناسد.

ماده ۷۵

اگر شخصی بدون داشتن اختیار قانونی، قرارداد مالی منعقد کند، آن قرارداد فاقد اعتبار خواهد بود.

برای اعتبار هر معامله، مالکیت و اختیار قانونی ضروری است.

مواد پنجاه و یک تا هفتاد و پنج نشان می دهند که اقتصاد بابل بر پایه اعتماد، قرارداد و مسئولیت استوار بوده است. حمورابی به خوبی می دانست که هیچ امپراتوری بدون امنیت اقتصادی پایدار نمی ماند.

به همین دلیل، تلاش کرد با وضع قوانینی روشن، از حقوق طلبکار، بدهکار، مالک، مستاجر، کشاورز، باغبان، بازرگان

و همه کسانی که در چرخه اقتصاد نقش داشتند حمایت کند.

بسیاری از اصولی که در این بخش دیده می شوند، مانند الزام به اجرای قرارداد، مسئولیت در برابر خسارت و حمایت از مالکیت، هنوز نیز در نظام های حقوقی جهان جایگاه مهمی دارند.

مواد ۷۶ تا ۱۰۰ قانون نامه حمورابی

در روزگار حمورابی، تجارت تنها به خرید و فروش کالا در بازارهای محلی محدود نمی شد.

بازرگانان بابلی صدها کیلومتر سفر می کردند، از رودخانه ها و بیابان ها عبور می کردند و کالاهای ارزشمند را میان شهرها و سرزمین های مختلف جابه جا می نمودند.

چوب های سرو از لبنان، فلزات از آناتولی، سنگ های گرانبها از شرق، مس از عمان و کالاهای فراوان دیگری از راه های دور به بابل می رسیدند.

در مقابل، غلات، پارچه، روغن، خرما و صنایع دستی بابل نیز به نقاط مختلف صادر می شد.

چنین شبکه گسترده ای از تجارت، بدون وجود قوانین روشن برای حفظ سرمایه، تعیین مسئولیت بازرگانان و جلوگیری از اختلاف های مالی امکان پذیر نبود.

به همین دلیل، مواد هفتاد و شش تا یکصد قانون نامه، بیشتر به روابط میان سرمایه گذاران، بازرگانان، نمایندگان تجاری و حمل و نقل کالا اختصاص یافته اند.

ماده ۷۶

اگر فردی بدون داشتن اختیار قانونی، اموال متعلق به معبد یا حکومت را معامله کند، قرارداد او باطل خواهد بود.

قانون از دارایی های عمومی و مذهبی با دقت محافظت می کرد.

ماده ۷۷

اگر شخصی خانه، زمین یا باغی را برای مدت معینی اجاره کند، موظف است شرایط قرارداد را تا پایان مدت رعایت نماید.

هیچ یک از طرفین حق نقض خودسرانه قرارداد را نداشتند.

ماده ۷۸

اگر موجر پیش از پایان مدت قرارداد، مستاجر را بدون دلیل قانونی از ملک بیرون کند، موظف به جبران زیان او خواهد بود.

قانون از امنیت قراردادهای اجاره حمایت می کرد.

ماده ۷۹

اگر مستاجر برخلاف قرارداد به ملک آسیب برساند، موظف است همه خسارت های وارد شده را جبران کند.

استفاده از اموال دیگران همواره با مسئولیت همراه بود.

ماده ۸۰

اگر فردی بدون اجازه وارد زمین یا باغ دیگری شود و از محصولات آن استفاده کند، باید غرامت بپردازد.

حفظ مالکیت خصوصی یکی از اصول ثابت قانون نامه بود.

ماده ۸۱

اگر معامله ای بر اساس قرارداد معتبر انجام شده باشد، هیچ یک از طرفین نمی توانند پس از پایان آن، بدون دلیل قانونی ادعای تازه ای مطرح کنند.

این ماده به ثبات روابط اقتصادی کمک می کرد.

ماده ۸۲

اگر اختلافی درباره مفاد قرارداد به وجود آید، متن قرارداد و شهادت شاهدان ملاک قضاوت خواهد بود.

ثبت دقیق قراردادها اهمیت فراوانی داشت.

ماده ۸۳

اگر نماینده تجاری سرمایه ای از بازرگان دریافت کند، موظف است گزارش کامل فعالیت خود را ارائه دهد. شفافیت مالی یکی از اصول مهم تجارت در بابل بود.

ماده ۸۴

اگر نماینده بخشی از سرمایه را پنهان کند یا سود واقعی را اعلام ننماید، مسئول جبران خسارت خواهد بود.

قانون با هرگونه خیانت در امور مالی برخورد می کرد.

ماده ۸۵

اگر سرمایه گذار ادعایی علیه نماینده خود داشته باشد، باید آن را با سند یا شاهد ثابت کند.

اتهام بدون مدرک پذیرفته نمی شد.

ماده ۸۶

اگر نماینده تجاری برخلاف دستور سرمایه گذار عمل کند و موجب زیان شود، مسئول تمامی خسارت خواهد بود.

قانون، مسئولیت تصمیم های اقتصادی را بر عهده عامل قرار می داد.

ماده ۸۷

اگر زیان ناشی از حمله راهزنان یا حوادث غیر قابل پیش بینی باشد و نماینده کوتاهی نکرده باشد، مسئولیتی متوجه او نخواهد بود.

این ماده میان تقصیر انسان و حوادث خارج از اختیار تفاوت قائل می شود.

ماده ۸۸

اگر بازرگان سرمایه ای را برای تجارت در اختیار دیگری قرار دهد، سود حاصل باید مطابق قرارداد میان آنان تقسیم شود.

احترام به توافق اولیه از اصول اساسی قانون نامه بود.

ماده ۸۹

اگر درباره میزان سود اختلافی ایجاد شود، دادگاه بر اساس اسناد موجود تصمیم خواهد گرفت.

قانون همواره قرارداد مکتوب را معتبرترین مدرک می دانست.

ماده ۹۰

اگر بازرگان کالایی را به نماینده خود بسپارد، نماینده موظف است همه درآمد حاصل از فروش را اعلام کند.

پنهان کردن درآمد نوعی خیانت مالی محسوب می شد.

ماده ۹۱

اگر شخصی بدون قرارداد رسمی ادعای طلب از دیگری داشته باشد، دادگاه آن را نمی پذیرد.

ثبت اسناد مالی برای جلوگیری از اختلاف ضروری بود.

ماده ۹۲

اگر بدهکار مبلغ بدهی را پرداخت کند، طلبکار موظف است رسید یا سند مربوط را به او بازگرداند.

قانون از طرح دوباره ادعاهای مالی جلوگیری می کرد.

ماده ۹۳

اگر طلبکار بیش از میزان تعیین شده در قرارداد مطالبه کند، حق دریافت مبلغ اضافی را نخواهد داشت.

قانون از زیاده خواهی در روابط مالی جلوگیری می کرد.

ماده ۹۴

اگر وام دهنده با تهدید یا زور، بدهکار را مجبور به پذیرش شرایط تازه کند، دادگاه می تواند آن شرایط را باطل اعلام نماید.

این ماده از سوء استفاده صاحبان سرمایه جلوگیری می کرد.

ماده ۹۵

اگر فردی سرمایه ای را برای تجارت دریافت کند و آن را صرف امور شخصی نماید، موظف به جبران کامل زیان خواهد بود.

امانت داری پایه اعتماد اقتصادی بود.

ماده ۹۶

اگر نماینده تجاری سود حاصل را کمتر از مقدار واقعی اعلام کند، علاوه بر پرداخت خسارت، مجازات قانونی نیز خواهد داشت.

صداقت در گزارش های مالی اهمیت ویژه ای داشت.

ماده ۹۷

اگر اختلافی میان دو شریک تجاری ایجاد شود، قاضی با بررسی قرارداد و اسناد مالی رأی صادر خواهد کرد.
قانون از داوری بر اساس حدس و گمان پرهیز می کرد.

ماده ۹۸

اگر شخصی با فریب یا جعل سند، اموال دیگری را تصاحب کند، موظف به بازگرداندن مال و پرداخت غرامت خواهد بود.

حمایت از مالکیت مشروع، یکی از پایه های نظام حقوقی بابل بود.

ماده ۹۹

اگر دو نفر سرمایه خود را برای تجارت مشترک گرد هم آورند، سود و زیان باید مطابق سهم هر یک تقسیم شود. این ماده یکی از نخستین نمونه های مقررات مربوط به مشارکت تجاری در تاریخ به شمار می رود.

ماده ۱۰۰

اگر نماینده تجاری سرمایه دریافتی را با موفقیت به کار گیرد،
موظف است اصل سرمایه و سهم سود توافق شده را به
سرمایه گذار بازگرداند.

این ماده پایان بخش نخستین مجموعه قوانین مربوط به تجارت
است و بر اجرای دقیق قراردادهای اقتصادی تاکید می کند.
مواد هفتاد و شش تا یکصد نشان می دهند که اقتصاد بابل بر
پایه اعتماد، ثبت اسناد و مسئولیت پذیری بنا شده بود.
حمورابی به خوبی دریافته بود که گسترش تجارت تنها زمانی
امکان پذیر است که سرمایه گذاران، بازرگانان و نمایندگان
تجاری از حمایت قانون برخوردار باشند و بدانند در صورت
بروز اختلاف، دادگاه بر اساس قرارداد و مدارک تصمیم
خواهد گرفت، نه بر پایه نفوذ یا قدرت افراد.

بسیاری از این اصول، مانند اعتبار قرارداد، مسئولیت
نماینده، تقسیم سود میان شرکا و الزام به ارائه اسناد، هنوز
نیز در حقوق تجارت مدرن جایگاه مهمی دارند.

مواد ۱۰۱ تا ۱۲۵ قانون نامه حمورابی

با گسترش تجارت در سراسر امپراتوری بابل، حجم کالاهایی که هر روز میان شهرها جابه جا می شدند، به طور پیوسته افزایش می یافت.

بازرگانان برای سفرهای طولانی ناچار بودند سرمایه خود را به نمایندگان تجاری، انبارداران، صاحبان کشتی و افراد مورد اعتماد بسپارند.

همین موضوع باعث می شد اختلاف های فراوانی درباره نگهداری اموال، میزان سود، مسئولیت زیان ها و بازگرداندن سرمایه به وجود آید.

حمورابی برای جلوگیری از چنین مشکلاتی، مجموعه ای دقیق از قوانین را تدوین کرد تا هیچ بخشی از روابط مالی بدون چارچوب قانونی باقی نماند.

مواد یکصد و یک تا یکصد و بیست و پنج ادامه همین نظام حقوقی هستند و بیشتر به مسئولیت نمایندگان تجاری، نگهداری امانت، انبارداری و حفاظت از دارایی مردم می پردازند.

ماده ۱۰۱

اگر نماینده تجاری در سفر خود هیچ سودی به دست نیاورد، موظف است دست کم اصل سرمایه را بدون کم و کاست به صاحب آن بازگرداند.

قانون میان شکست در تجارت و خیانت مالی تفاوت قائل می شود و تا زمانی که سرمایه از میان نرفته باشد، بازگرداندن آن را الزامی می داند.

ماده ۱۰۲

اگر سرمایه نماینده در نتیجه حمله دشمن، راهزنان یا حادثه ای خارج از اختیار او از بین برود و بتواند این موضوع را ثابت کند، مسئول پرداخت خسارت نخواهد بود.

در این ماده نیز مسئولیت تنها زمانی ایجاد می شود که کوتاهی یا تقصیر شخص ثابت شده باشد.

ماده ۱۰۳

اگر کاروان تجاری در مسیر حرکت مورد حمله قرار گیرد و کالاها غارت شوند، نماینده باید گزارش کامل حادثه را به دادگاه ارائه دهد.

قانون از او انتظار صداقت و شفافیت کامل دارد.

ماده ۱۰۴

اگر بازرگانی کالاهایی را برای فروش در اختیار نماینده خود قرار دهد، نماینده موظف است هنگام بازگشت، حساب دقیق درآمد، هزینه و سود را ارائه کند.

ثبت دقیق معاملات، پایه اعتماد اقتصادی در بابل بود.

ماده ۱۰۵

اگر نماینده بدون دریافت رسید یا سند رسمی، پول یا کالا را تحویل دهد، مسئول پیامدهای آن خواهد بود.

حمورابی اهمیت فراوانی برای اسناد مکتوب قائل بود و مردم را به ثبت همه معاملات تشویق می کرد.

ماده ۱۰۶

اگر نماینده سرمایه بازرگان را برای منافع شخصی خود استفاده کند، خیانت در امانت محسوب می شود و باید همه خسارت ها را جبران نماید.

اعتماد میان سرمایه گذار و نماینده، اساس تجارت بود.

ماده ۱۰۷

اگر نماینده به ناحق ادعا کند که سرمایه از بین رفته است و خلاف گفته او ثابت شود، علاوه بر بازگرداندن سرمایه، مجازات قانونی نیز در انتظار او خواهد بود.

قانون با هرگونه فریبکاری مالی برخورد می کرد.

ماده ۱۰۸

اگر صاحب میخانه، محل خود را به مرکز توطئه یا فعالیت مجرمان تبدیل کند و این موضوع را به مقام های حکومتی گزارش ندهد، مجازات سنگینی خواهد داشت.

این ماده نشان می دهد که حتی صاحبان کسب و کار نیز در حفظ امنیت عمومی مسئول بودند.

ماده ۱۰۹

اگر افراد خلافکار در میخانه گرد هم آیند و صاحب آن از گزارش دادن خودداری کند، او نیز شریک جرم شناخته می شود.

حکومت از همه شهروندان انتظار همکاری در حفظ نظم عمومی داشت.

ماده ۱۱۰

اگر زنی که منصب مذهبی داشت برخلاف مقررات وارد میخانه شود یا در آنجا به فعالیت بپردازد، قانون برای او مجازات ویژه ای تعیین کرده است.

این ماده بازتاب جایگاه مذهبی برخی زنان در جامعه بابل و حساسیت حکومت نسبت به حفظ حرمت معابد است.

ماده ۱۱۱

اگر صاحب میخانه به مشتری نسیه بدهد، مقدار بازپرداخت باید مطابق قرارداد مشخص شود.

حتی معاملات روزمره نیز از دید قانون دور نمانده بودند.

ماده ۱۱۲

اگر فردی طلا، نقره یا کالایی را برای حمل و نقل به دیگری بسپارد، دریافت کننده مسئول حفظ آن خواهد بود.

امانت داری یکی از مهم ترین اصول قانون نامه است.

ماده ۱۱۳

اگر طلبکار بدون اجازه وارد خانه بدهکار شود و اموالی را به زور بردارد، مسئول رفتار خود خواهد بود.

قانون حتی به طلبکار نیز اجازه اجرای خودسرانه عدالت را نمی دهد.

ماده ۱۱۴

اگر طلبکار در جریان وصول بدهی، باعث مرگ بدهکار شود، مطابق قانون مجازات خواهد شد.

هیچ بدهی نمی تواند توجیه کننده خسونت خارج از چارچوب قانون باشد.

ماده ۱۱۵

اگر بدهکار یکی از اعضای خانواده خود را به عنوان تضمین بدهی در اختیار طلبکار قرار دهد و آن شخص بر اثر رفتار طبیعی و بدون آزار جان خود را از دست بدهد، طلبکار مسئول شناخته نمی شود.

این ماده بازتاب نظام گروگان گذاری مالی در جهان باستان است.

ماده ۱۱۶

اگر فردی که به عنوان تضمین بدهی نگهداری می شود، بر اثر شکنجه یا بدرفتاری جان خود را از دست بدهد، طلبکار مسئول خواهد بود و مجازات می شود.

قانون حتی در این شرایط نیز با سوء استفاده از قدرت
مخالفت می کند.

ماده ۱۱۷

اگر مردی به دلیل بدهی ناچار شود همسر، پسر یا دختر خود
را برای مدت مشخصی در خدمت طلبکار قرار دهد، این
وضعیت بیش از سه سال ادامه نخواهد داشت و در سال
چهارم آنان آزاد خواهند شد.

این ماده یکی از مهم ترین قوانین حمایتی قانون نامه به شمار
می رود و از تبدیل بدهی موقت به بردگی دائمی جلوگیری
می کند.

ماده ۱۱۸

اگر فردی که به عنوان تضمین بدهی واگذار شده است برده باشد، شرایط او مطابق مقررات مربوط به بردگان بررسی خواهد شد.

قانون میان افراد آزاد و بردگان تفاوت قائل می شود.

ماده ۱۱۹

اگر طلبکار کنیز بدهکار را بفروشد، صاحب اصلی حق مطالبه ارزش او را خواهد داشت.

مالکیت قانونی همچنان مورد حمایت قرار می گیرد.

ماده ۱۲۰

اگر فردی غله خود را در انبار دیگری نگهداری کند، باید مقدار آن به طور دقیق ثبت شود.

ثبت اطلاعات از بروز اختلاف جلوگیری می کرد.

ماده ۱۲۱

اگر انباردار بابت نگهداری غله دستمزدی دریافت کند، میزان آن باید مطابق قانون یا قرارداد باشد.

حتی هزینه انبارداری نیز دارای چارچوب مشخص بود.

ماده ۱۲۲

اگر شخصی طلا، نقره یا هر مال ارزشمند دیگری را نزد فردی به امانت بگذارد، این کار باید با حضور شاهدان انجام شود.

وجود شاهد، اعتبار قانونی امانت را تضمین می کرد.

ماده ۱۲۳

اگر امانت بدون شاهد سپرده شود و بعداً اختلافی به وجود

آید، دادگاه ممکن است ادعای صاحب مال را نپذیرد.

این ماده مردم را به ثبت رسمی معاملات تشویق می کرد.

ماده ۱۲۴

اگر امین دریافت امانت را بپذیرد، موظف است همان مال را

بدون هیچ کم و کاستی بازگرداند.

امانت داری نه تنها یک وظیفه اخلاقی، بلکه یک تعهد قانونی

نیز محسوب می شد.

اگر مال امانی بر اثر سرقت از خانه امین از بین برود، او موظف است موضوع را ثابت کند و در صورت کوتاهی، خسارت صاحب مال را جبران نماید.

قانون از امین انتظار مراقبت کامل از دارایی دیگران را داشت و بی احتیاطی را قابل قبول نمی دانست.

مواد یکصد و یک تا یکصد و بیست و پنج نشان می دهند که حمورابی تنها به معاملات بزرگ و تجارت های بین المللی توجه نداشت، بلکه حتی کوچک ترین روابط مالی میان مردم را نیز زیر پوشش قانون قرار داده بود.

از نگهداری یک کیسه غله در انبار گرفته تا سرمایه گذاری های بزرگ بازرگانی، همه چیز باید بر پایه قرارداد، شاهد، مسئولیت پذیری و اعتماد متقابل انجام می شد.

همین دقت در تنظیم روابط اقتصادی، یکی از دلایل اصلی
تبدیل بابل به یکی از ثروتمندترین و منظم ترین دولت های
جهان باستان بود.

مواد ۱۲۶ تا ۱۵۰ قانون نامه حمورابی

یکی از ارزشمندترین بخش های قانون نامه حمورابی، قوانینی است که به خانواده، ازدواج و روابط میان اعضای خانواده اختصاص یافته است.

این مواد تنها مقرراتی حقوقی نیستند، بلکه تصویری زنده از زندگی مردم بابل، جایگاه زنان، مسئولیت مردان، حقوق فرزندان و اهمیت بنیان خانواده در یکی از کهن ترین تمدن های جهان ارائه می دهند.

اگرچه بسیاری از این قوانین از دیدگاه امروز با اصل برابری کامل زن و مرد فاصله دارند، اما برای جامعه ای که نزدیک به چهار هزار سال پیش وجود داشته، وجود چنین مقررات دقیقی نشان دهنده اهمیت خانواده در ساختار اجتماعی بابل است.

مواد یکصد و بیست و شش تا یکصد و پنجاه بیشتر به اتهام های خانوادگی، ازدواج، طلاق، جهیزیه، خیانت زناشویی و حقوق همسران می پردازند.

ماده ۱۲۶

اگر زنی به ناحق متهم شود اما هیچ مدرکی علیه او وجود نداشته باشد، باید برای اثبات بی گناهی خود در برابر خدایان سوگند یاد کند و سپس به خانه شوهر بازگردد.

در این ماده، قانون تلاش می کند از صدور حکم تنها بر اساس شایعه یا اتهام های بی اساس جلوگیری کند.

ماده ۱۲۷

اگر کسی همسر مردی یا زنی که به معبد وابسته است را به زنا متهم کند اما نتواند ادعای خود را ثابت نماید، مجازات خواهد شد.

حفظ آبرو و اعتبار خانواده از مهم ترین اهداف این قانون است.

ماده ۱۲۸

اگر مردی با زنی زندگی کند اما ازدواج آنان به طور رسمی ثبت نشده باشد، آن زن از نظر قانون همسر او محسوب نمی شود.

قانون بر ثبت رسمی ازدواج تأکید فراوان دارد.

ماده ۱۲۹

اگر زن شوهرداری در حال زنا با مرد دیگری دستگیر شود،
هر دو مجازات خواهند شد، مگر آنکه شوهر زن یا پادشاه
آنان را ببخشند.

این ماده از مشهورترین قوانین مربوط به روابط خانوادگی در
قانون نامه حمورابی است.

ماده ۱۳۰

اگر مردی به زنی که هنوز ازدواج نکرده و در خانه پدر
خود زندگی می کند تجاوز کند، مرد مجازات خواهد شد و زن
بی گناه شناخته می شود.

این ماده نشان می دهد که قانون در برخی موارد از قربانی حمایت می کرد.

ماده ۱۳۱

اگر مردی همسر خود را متهم کند اما مدرکی نداشته باشد، زن با ادای سوگند می تواند بی گناهی خود را ثابت کند. اتهام بدون دلیل برای صدور حکم کافی نیست.

ماده ۱۳۲

اگر درباره وفاداری زن تردیدی وجود داشته باشد اما شاهی در دست نباشد، آزمون رودخانه می تواند برای تعیین حقیقت به کار گرفته شود.

این قانون بازتاب باور مذهبی مردم بابل به داوری خدایان است.

ماده ۱۳۳

اگر مردی به اسارت دشمن درآید و خانواده او بدون سرپرست باقی بماند، همسرش در صورتی که راه دیگری برای زندگی نداشته باشد، می تواند ازدواج کند.

قانون شرایط دشوار زندگی را نیز در نظر گرفته است.

ماده ۱۳۴

اگر زن بدون وجود ضرورت و در حالی که شوهرش هنوز امید بازگشت دارد، ازدواج دیگری انجام دهد، مسئول شناخته خواهد شد.

این ماده میان ناچاری و انتخاب آگاهانه تفاوت قائل می شود.

ماده ۱۳۵

اگر شوهر اسیر شده پس از سال ها بازگردد، وضعیت ازدواج بر اساس شرایط واقعی خانواده بررسی خواهد شد. حمورابی برای چنین موقعیت های پیچیده نیز راه حل قانونی در نظر گرفته بود.

ماده ۱۳۶

اگر مردی خانواده خود را ترک کند و بدون دلیل ناپدید شود، همسر او پس از گذشت مدت مشخصی می تواند زندگی تازه ای آغاز کند.

قانون تلاش می کند از بلاتکلیفی دائمی خانواده جلوگیری کند.

ماده ۱۳۷

اگر مردی بخواهد از همسر خود که برای او فرزند آورده است جدا شود، موظف است جهیزیه زن را بازگرداند و هزینه زندگی او و فرزندان را تأمین کند.

این ماده یکی از مهم ترین قوانین حمایتی از زنان در قانون نامه است.

ماده ۱۳۸

اگر مردی بدون وجود فرزند از همسر خود جدا شود، باید تمام جهیزیه و حقوق مالی او را بازگرداند.

طلاق نباید موجب از بین رفتن حقوق اقتصادی زن شود.

ماده ۱۳۹

اگر هنگام ازدواج جهیزیه ای وجود نداشته باشد، مرد موظف است مبلغی مشخص به عنوان غرامت به زن پرداخت کند. قانون حتی در نبود جهیزیه نیز از زن حمایت مالی می کند.

ماده ۱۴۰

اگر مردی از طبقه آزاد همسر خود را طلاق دهد، میزان غرامت بر اساس جایگاه اجتماعی آنان تعیین خواهد شد. ساختار طبقاتی جامعه بر اجرای قانون تأثیر مستقیم داشت.

ماده ۱۴۱

اگر زن بدون دلیل موجه خانه و خانواده خود را ترک کند و وظایف خانوادگی را انجام ندهد، دادگاه درباره سرنوشت او تصمیم خواهد گرفت.

در مقابل، قانون از هر دو همسر انتظار انجام مسئولیت های خانوادگی دارد.

ماده ۱۴۲

اگر زنی ثابت کند شوهرش با او بدرفتاری کرده یا وظایف خود را انجام نمی دهد، می تواند درخواست جدایی کند و جهیزیه خود را پس بگیرد.

این ماده نشان می دهد که زنان نیز در شرایط مشخص حق مراجعه به دادگاه را داشتند.

ماده ۱۴۳

اگر دادگاه تشخیص دهد که زن بدون دلیل خانواده را ترک کرده و خود موجب اختلاف شده است، ممکن است بخشی از حقوق مالی خود را از دست بدهد.

قانون تلاش می کند هر پرونده را بر اساس شواهد بررسی کند.

ماده ۱۴۴

اگر همسر مردی نازا باشد و خود برای شوهرش کنیزی فراهم کند تا فرزندان شوند، مرد حق ندارد آن کنیز را هم رتبه همسر اصلی قرار دهد.

این ماده جایگاه قانونی همسر اصلی را حفظ می کند.

ماده ۱۴۵

اگر مردی با کنیز خود صاحب فرزند شود، اما آن کنیز نسبت به همسر اصلی بی احترامی کند، همسر می تواند از دادگاه درخواست رسیدگی نماید.

قانون برای جلوگیری از اختلاف های خانوادگی مقررات
مشخصی وضع کرده است.

ماده ۱۴۶

اگر کنیزی که از صاحب خود فرزند دارد، بخواهد جای
همسر اصلی را بگیرد، چنین حقی نخواهد داشت.
جایگاه حقوقی همسر و کنیز کاملاً از یکدیگر جدا بود.

ماده ۱۴۷

اگر همسر اصلی تصمیم بگیرد آن کنیز را بفروشد، در برخی
شرایط قانونی اجازه این کار را نخواهد داشت، زیرا او مادر
فرزندان خانواده محسوب می شود.

این ماده از جدایی مادر و فرزندان تا حدی جلوگیری می کند.

ماده ۱۴۸

اگر زنی به بیماری سختی مبتلا شود، شوهر حق ندارد او را از خانه بیرون کند.

او می تواند همسر دیگری اختیار کند، اما موظف است همچنان از همسر بیمار خود نگهداری نماید.

این قانون از انسانی ترین مواد قانون نامه حمورابی به شمار می رود.

ماده ۱۴۹

اگر زن بیمار خود مایل باشد خانه را ترک کند، شوهر باید جهیزیه او را به طور کامل بازگرداند.

حقوق مالی زن حتی در این شرایط نیز محفوظ می ماند.

اگر مردی هنگام ازدواج هدیه یا مالی را به طور رسمی به همسر خود ببخشد، پس از مرگ او این اموال متعلق به زن باقی خواهد ماند و دیگر وارثان حق تصرف در آن را ندارند.

این ماده یکی از نخستین نمونه های حمایت قانونی از مالکیت مستقل زنان در تاریخ حقوق جهان محسوب می شود.

مواد یکصد و بیست و شش تا یکصد و پنجاه نشان می دهند که خانواده برای حمورابی تنها یک نهاد اجتماعی نبود، بلکه بنیان اصلی ثبات جامعه به شمار می رفت.

به همین دلیل، قانون تلاش می کرد روابط میان زن و شوهر، حقوق فرزندان، مالکیت جهیزیه، مسئولیت های مالی و حتی اختلاف های خانوادگی را با دقت تنظیم کند.

اگرچه بسیاری از این قوانین امروز با معیارهای حقوقی

مدرن تفاوت دارند، اما در مقایسه با بسیاری از تمدن های هم
عصر، برخی از آن ها حمایت های قابل توجهی از حقوق
زنان، مالکیت آنان و امنیت اقتصادی خانواده ارائه می کردند.

مواد ۱۵۱ تا ۱۷۵ قانون نامه حمورابی

پس از آنکه قانون نامه به موضوع ازدواج، طلاق و روابط میان زن و شوهر پرداخت، اکنون توجه خود را به یکی از حساس ترین مسائل هر جامعه معطوف می کند، یعنی ارث، فرزندان، فرزندخواندگی و انتقال دارایی از نسلی به نسل دیگر.

در جامعه بابل، خانواده تنها محل زندگی مشترک نبود، بلکه مهم ترین نهاد اقتصادی و اجتماعی به شمار می رفت. زمین ها، خانه ها، باغ ها، دام ها و ثروت خانواده باید پس از مرگ صاحبانشان به شکلی منظم میان وارثان تقسیم می شد تا اختلاف، دشمنی و درگیری میان اعضای خانواده به وجود نیاید.

حمورابی برای جلوگیری از چنین مشکلاتی، مجموعه ای از قوانین دقیق را درباره حقوق فرزندان، جایگاه فرزندانخواندگان، مالکیت زنان و تقسیم ارث تدوین کرد. مواد یکصد و پنجاه و یک تا یکصد و هفتاد و پنج، بیشتر به همین موضوعات اختصاص دارند.

ماده ۱۵۱

اگر زن و شوهر هنگام ازدواج توافق کرده باشند که بدهی های پیشین هر یک بر عهده خود او باقی بماند، هیچ یک مسئول پرداخت بدهی دیگری نخواهد بود.

این ماده نشان می دهد که قانون، قراردادهای مالی میان زوجین را به رسمیت می شناخت.

ماده ۱۵۲

اگر بدهی پس از ازدواج و برای اداره زندگی مشترک ایجاد شده باشد، هر دو همسر در برابر آن مسئول خواهند بود.

قانون میان بدهی شخصی و بدهی خانوادگی تفاوت قائل می شود.

ماده ۱۵۳

اگر زنی برای ازدواج با مردی دیگر، شوهر خود را به قتل برساند یا در قتل او مشارکت داشته باشد، به مرگ محکوم خواهد شد.

این قانون با هدف حفظ امنیت خانواده و جلوگیری از جنایت های خانوادگی تدوین شده است.

ماده ۱۵۴

اگر مردی با دختر خود رابطه جنسی برقرار کند، از جامعه تبعید خواهد شد.

این ماده یکی از قدیمی ترین قوانین شناخته شده درباره ممنوعیت روابط میان محارم به شمار می رود.

ماده ۱۵۵

اگر مردی پس از نامزد کردن پسر خود، با عروس آینده خویش رابطه برقرار کند، مجازات خواهد شد و زن آزاد می شود تا با فرد دیگری ازدواج کند.

قانون از حرمت روابط خانوادگی محافظت می کرد.

ماده ۱۵۶

اگر مردی برای پسر خود دختری را نامزد کند، اما پیش از ازدواج با او رابطه برقرار نماید، موظف به پرداخت غرامت خواهد بود و حق ازدواج با آن زن را نخواهد داشت.

این ماده نیز برای جلوگیری از سوء استفاده از جایگاه خانوادگی وضع شده است.

ماده ۱۵۷

اگر رابطه نامشروع میان مادر و پسر ثابت شود، هر دو مجازات خواهند شد.

این قانون نشان دهنده حساسیت شدید جامعه بابل نسبت به حفظ بنیان خانواده است.

ماده ۱۵۸

اگر مردی پس از مرگ پدر خود با همسر پدر رابطه برقرار کند، از خانواده اخراج خواهد شد و حقوق خود را از دست خواهد داد.

قانون احترام به جایگاه پدر و ساختار خانواده را ضروری می دانست.

ماده ۱۵۹

اگر مردی پس از پرداخت هدیه ازدواج از تصمیم خود منصرف شود، هدیه پرداخت شده را از دست خواهد داد. قانون از بی ثباتی در قراردادهای ازدواج جلوگیری می کرد.

ماده ۱۶۰

اگر خانواده دختر بدون دلیل موجه ازدواج را بر هم بزنند،
باید هدیه دریافتی را دو برابر بازگردانند.

این ماده از حقوق هر دو خانواده حمایت می کرد.

ماده ۱۶۱

اگر مردی همسر خود را بدون دلیل قانونی ترک کند و با زن
دیگری ازدواج نماید، حقوق مالی همسر نخست محفوظ
خواهد ماند.

حمورابی تلاش می کرد از بی عدالتی در حق زنان جلوگیری
کند.

ماده ۱۶۲

اگر زنی پس از مرگ شوهر خود دارای فرزند باشد، جهیزیه و اموال شخصی او برای تأمین زندگی فرزندان باقی خواهد ماند.

قانون از امنیت اقتصادی مادر و فرزندان حمایت می کرد.

ماده ۱۶۳

اگر زن پس از مرگ شوهر دوباره ازدواج کند، اموال مربوط به فرزندان ازدواج نخست باید برای آنان حفظ شود.

حقوق فرزندان بر اثر ازدواج دوباره مادر از بین نمی رفت.

ماده ۱۶۴

اگر میان فرزندان بر سر ارث اختلاف ایجاد شود، دادگاه مطابق اسناد و قوانین تصمیم خواهد گرفت.

قانون از درگیری های خانوادگی جلوگیری می کرد.

ماده ۱۶۵

اگر پدر در زمان حیات خود بخشی از دارایی را به یکی از فرزندان هدیه داده باشد، پس از مرگ او همان هدیه متعلق به آن فرزند باقی خواهد ماند.

هدیه رسمی با ارث تفاوت داشت.

ماده ۱۶۶

باقی مانده دارایی پدر باید میان فرزندان مطابق قانون تقسیم شود.

هدف، جلوگیری از تبعیض و اختلاف میان وارثان بود.

ماده ۱۶۷

اگر پسران از همسران مختلف متولد شده باشند، همه آنان در اصل ارث شریک خواهند بود.

این ماده از حقوق فرزندان صرف نظر از مادر آنان حمایت می کند.

ماده ۱۶۸

اگر پدری بخواهد یکی از پسران خود را از ارث محروم کند، باید دلیل قانع کننده ای به دادگاه ارائه دهد.

پدر نمی تواند تنها بر اساس خواست شخصی چنین تصمیمی بگیرد.

ماده ۱۶۹

اگر دادگاه دلیل پدر را کافی نداند، فرزند همچنان حق ارث خواهد داشت.

این ماده قدرت پدر را نیز در چارچوب قانون محدود می کند.

ماده ۱۷۰

اگر مردی از همسر و کنیز خود صاحب فرزند شده باشد و در زمان حیات، فرزندان کنیز را به رسمیت بشناسد، آنان نیز در ارث سهم خواهند داشت.

این قانون وضعیت حقوقی فرزندان را مشخص می کند.

ماده ۱۷۱

اگر پدر فرزندان کنیز را به رسمیت نشناسد، آنان وارث اموال او نخواهند بود، اما آزادی خود را حفظ خواهند کرد.

قانون میان شناسایی رسمی و عدم شناسایی تفاوت قائل شده است.

ماده ۱۷۲

اگر بیوه ای در خانه شوهر باقی بماند و ازدواج مجدد نکند، تا پایان عمر حق استفاده از اموال تعیین شده برای خود را خواهد داشت.

این ماده از امنیت مالی زنان بیوه حمایت می کند.

ماده ۱۷۳

اگر بیوه تصمیم به ازدواج دوباره بگیرد، اموال مربوط به فرزندان باید محفوظ بماند و تنها دارایی شخصی خود را با خود ببرد.

حقوق وارثان همچنان حفظ می شود.

ماده ۱۷۴

اگر فردی کودکی را به فرزندخواندگی بپذیرد و او را همانند فرزند خود بزرگ کند، هیچ کس حق جدا کردن آن کودک از خانواده جدید را نخواهد داشت.

این ماده یکی از قدیمی ترین قوانین رسمی درباره فرزندخواندگی در تاریخ جهان محسوب می شود.

ماده ۱۷۵

اگر کودک فرزندخوانده در خانه جدید تمامی حقوق و مسئولیت های فرزند واقعی را پذیرفته باشد، از حمایت کامل قانون برخوردار خواهد شد.

حمورابی با این قانون، جایگاه حقوقی فرزندخواندگان را تا حد زیادی تثبیت کرد و از آینده آنان حمایت نمود.

مواد یکصد و پنجاه و یک تا یکصد و هفتاد و پنج نشان می دهند که قانون نامه حمورابی تنها به جرایم و مجازات ها توجه نداشت، بلکه برای مهم ترین روابط خانوادگی نیز مقرراتی روشن و دقیق تدوین کرده بود.

تقسیم ارث، حقوق فرزندان، وضعیت زنان بیوه، جایگاه فرزندان و حتی محدود کردن اختیار پدر در محروم کردن فرزند از ارث، همگی نشان می دهند که حکومت تلاش داشت از بروز اختلاف های خانوادگی جلوگیری کند و انتقال ثروت میان نسل ها را بر پایه قانونی مشخص سامان دهد.

مواد ۱۷۶ تا ۲۰۰ قانون نامه حمورابی

با رسیدن به این بخش از قانون نامه، وارد یکی از شناخته شده ترین و در عین حال پیچیده ترین قسمت های قوانین حمورابی می شویم.

مواد یکصد و هفتاد و شش تا دویست، بیش از هر بخش دیگری جایگاه افراد در جامعه، حقوق زنان، وضعیت بردگان، مسئولیت صاحبان حرفه و مجازات آسیب های جسمی را روشن می کنند.

در همین قسمت است که اصل مشهور «چشم در برابر چشم» به شکل گسترده تری ظاهر می شود و مفهوم عدالت از نگاه بابلیان را آشکار می سازد.

البته باید به یاد داشت که این قوانین در چارچوب جامعه ای

چهار هزار ساله تدوین شده اند و بسیاری از آن ها بر اساس ساختار طبقاتی آن دوران تنظیم شده بودند.

ماده ۱۷۶

اگر زنی پس از مرگ شوهر خود دوباره ازدواج کند، اموالی که متعلق به فرزندان ازدواج نخست است باید برای آنان حفظ شود و شوهر جدید هیچ حقی بر آن دارایی ها نخواهد داشت. این قانون از حقوق فرزندان و حفظ ارث خانوادگی حمایت می کند.

ماده ۱۷۷

اگر زنی که فرزند خردسال دارد قصد ازدواج دوباره داشته باشد، این کار باید با اجازه دادگاه انجام شود تا حقوق کودکان محفوظ بماند.

حکومت خود را مسئول حمایت از کودکان بی سرپرست می دانست.

ماده ۱۷۸

اگر زنی که به معبد وابسته است از پدر خود زمین یا مالی دریافت کرده باشد، پس از مرگ پدر همچنان مالک آن خواهد بود.

این ماده استقلال مالی برخی زنان وابسته به معابد را به رسمیت می شناسد.

ماده ۱۷۹

اگر پدر در زمان حیات خود درباره اموال دختر تصمیم مشخصی گرفته باشد، همان تصمیم معتبر خواهد بود.

قانون به وصیت و اسناد رسمی احترام می گذاشت.

ماده ۱۸۰

اگر دختری که در معبد خدمت می کند از پدر خود ارث ببرد،
اختیار استفاده از آن اموال با خود او خواهد بود.

این ماده یکی از نمونه های حمایت از مالکیت شخصی زنان
در قانون نامه است.

ماده ۱۸۱

اگر زنی وابسته به معبد وارثی نداشته باشد، پس از مرگ او
اموالش به خانواده پدری بازخواهد گشت.

قانون مسیر انتقال مالکیت را به طور دقیق مشخص می کند.

ماده ۱۸۲

اگر زنی که در معبد خدمت می کند هدیه ای از پدر خود دریافت کرده باشد، دیگر اعضای خانواده حق تصرف در آن را نخواهند داشت.

هدیه رسمی از نظر قانون کاملاً معتبر شناخته می شود.

ماده ۱۸۳

اگر پدری هنگام ازدواج دختر خود جهیزیه ای به او داده باشد، پس از مرگ پدر دیگر وارثان نمی توانند آن را مطالبه کنند.

جهیزیه، دارایی شخصی زن محسوب می شود.

ماده ۱۸۴

اگر دختری بدون جهیزیه ازدواج کرده باشد، دادگاه هنگام تقسیم ارث حقوق او را در نظر خواهد گرفت.

قانون تلاش می کند میان فرزندان خانواده تعادل برقرار سازد.

ماده ۱۸۵

اگر فردی کودکی را به فرزندخواندگی بپذیرد و او را همانند فرزند واقعی پرورش دهد، دیگر حق بازگرداندن او را نخواهد داشت.

فرزندخواندگی تعهدی دائمی محسوب می شد.

ماده ۱۸۶

اگر کودک فرزندخوانده بخواهد خانواده جدید خود را ترک کند، دادگاه شرایط او را بررسی خواهد کرد.

قانون تنها منافع والدین را در نظر نمی گرفت.

ماده ۱۸۷

اگر کودک به طور قانونی به فرزندخواندگی پذیرفته شده باشد، خانواده اصلی نمی توانند او را پس بگیرند.

این ماده امنیت حقوقی فرزندخواندگان را تضمین می کرد.

ماده ۱۸۸

اگر صنعتگری کودکی را برای آموزش حرفه خود بپذیرد، موظف است تمامی مهارت های لازم را به او آموزش دهد.

شاگردی رابطه ای قانونی و رسمی به شمار می رفت.

ماده ۱۸۹

اگر استاد از آموزش شاگرد خودداری کند، قرارداد آموزشی فاقد اعتبار خواهد بود.

قانون از حقوق شاگردان نیز حمایت می کرد.

ماده ۱۹۰

اگر کودک آموزش حرفه را به پایان برساند، استاد دیگر نمی تواند او را نزد خود نگه دارد.

هدف از شاگردی، آموزش بود نه بهره کشی.

ماده ۱۹۱

اگر فرزندخوانده نسبت به والدین جدید خود ناسپاسی کند و آنان را ترک نماید، دادگاه می تواند حقوق او را محدود کند.

قانون برای هر دو طرف رابطه فرزندخواندگی مسئولیت
هایی در نظر گرفته بود.

ماده ۱۹۲

اگر فرزندخوانده، پدر یا مادر خوانده خود را انکار کند،

ممکن است از برخی حقوق قانونی محروم شود.

وفاداری به خانواده جدید اهمیت زیادی داشت.

ماده ۱۹۳

اگر کودک فرزندخوانده پس از یافتن خانواده اصلی خود

بخواهد به آنان بازگردد، دادگاه درباره شرایط تصمیم خواهد

گرفت.

قانون تلاش می کرد میان حقوق همه طرف ها تعادل ایجاد

کند.

ماده ۱۹۴

اگر پرستار یا دایه در نگهداری کودک کوتاهی کند و موجب مرگ یا آسیب او شود، مسئول شناخته خواهد شد.

نگهداری از کودکان نیز مسئولیتی قانونی بود.

ماده ۱۹۵

اگر فرزندی پدر خود را مورد ضرب و جرح قرار دهد، دست او قطع خواهد شد.

این ماده اهمیت فوق العاده احترام به والدین را در جامعه بابل نشان می دهد.

ماده ۱۹۶

اگر فردی چشم مرد آزاد دیگری را نابینا کند، چشم خود او نیز نابینا خواهد شد.

این همان اصل مشهور «چشم در برابر چشم» است که بر تناسب میان جرم و مجازات تأکید دارد.

ماده ۱۹۷

اگر فردی استخوان مرد آزاد دیگری را بشکند، استخوان او نیز شکسته خواهد شد.

هدف قانون، برقراری تعادل در مجازات بود.

ماده ۱۹۸

اگر قربانی از طبقه اجتماعی پایین تر باشد، مجازات معمولاً به پرداخت غرامت مالی تبدیل می شود.

این ماده بازتاب ساختار طبقاتی جامعه بابل است.

ماده ۱۹۹

اگر فردی چشم برده دیگری را نابینا کند، باید بخشی از ارزش مالی آن برده را به مالک او بپردازد.

در اینجا نیز جایگاه اجتماعی افراد بر نوع مجازات تأثیر می گذارد.

ماده ۲۰۰

اگر مردی دندان مرد آزاد هم رتبه خود را بشکند، دندان او نیز شکسته خواهد شد.

این ماده یکی دیگر از نمونه های روشن اصل مقابله به مثل در قانون نامه حمورابی است.

مواد یکصد و هفتاد و شش تا دویست نشان می دهند که عدالت در نگاه حمورابی بر پایه تناسب میان عمل و پیامد آن استوار بود.

در کنار این اصل، قانون به موضوعاتی مانند حقوق زنان، فرزندخواندگی، آموزش حرفه ها و مسئولیت افراد در برابر خانواده نیز توجه فراوانی داشت.

اگرچه برخی از این قوانین امروز بسیار سخت گیرانه یا نابرابر به نظر می رسند، اما در زمان خود تلاشی برای ایجاد نظامی مشخص در جامعه ای گسترده و پیچیده محسوب می شدند.

همین بخش از قانون نامه بود که بعدها بیش از هر قسمت دیگر در تاریخ حقوق جهان مورد بحث و بررسی قرار گرفت و نام حمورابی را به عنوان یکی از نخستین قانون گذاران بزرگ تاریخ جاودانه ساخت.

مواد ۲۰۱ تا ۲۲۵ قانون نامه حمورابی

با پیشرفت تمدن بابل، حرفه های تخصصی بیش از گذشته در زندگی مردم اهمیت پیدا کرده بودند.

پزشکان با انجام جراحی و درمان بیماران نقش مهمی در سلامت جامعه داشتند، دامپزشکان از حیواناتی که ستون اصلی اقتصاد کشاورزی بودند مراقبت می کردند و معماران و بناها مسئول ساخت خانه هایی بودند که خانواده ها سال ها در آن زندگی می کردند.

هر اشتباه در این حرفه ها می توانست جان انسان ها یا سرمایه آنان را از بین ببرد.

به همین دلیل، حمورابی قوانینی بسیار دقیق درباره مسئولیت صاحبان این مشاغل وضع کرد.

مواد دویست و یک تا دویست و بیست و پنج از پیشرفته ترین بخش های قانون نامه به شمار می روند، زیرا برای نخستین بار در تاریخ، مسئولیت حرفه ای پزشکان، جراحان و سازندگان ساختمان را به شکلی روشن تعریف می کنند.

ماده ۲۰۱

اگر فردی دندان مردی از طبقه اجتماعی پایین تر را بشکند، باید غرامتی معادل یک سوم مینای نقره پرداخت کند.

در این ماده نیز تفاوت جایگاه اجتماعی افراد بر نوع مجازات تأثیر می گذارد.

ماده ۲۰۲

اگر مردی به مرد دیگری که از طبقه اجتماعی بالاتری برخوردار است آسیب برساند، مجازات او شلاق در حضور مردم خواهد بود.

قانون نامه ساختار طبقاتی جامعه بابل را به طور کامل منعکس می کند.

ماده ۲۰۳

اگر مردی از طبقه اجتماعی برابر به دیگری آسیب وارد کند، باید غرامت تعیین شده را بپردازد.

در بسیاری از اختلاف های جزئی، پرداخت خسارت جایگزین مجازات شدید می شد.

ماده ۲۰۴

اگر فردی به برده دیگری آسیب برساند، باید مبلغی را به مالک آن برده پرداخت کند.

در نظام حقوقی بابل، بردگان بخشی از دارایی قانونی صاحبان خود محسوب می شدند.

ماده ۲۰۵

اگر برده ای به مرد آزاد حمله کند، گوش او بریده خواهد شد.

این قانون جایگاه متفاوت طبقات اجتماعی را نشان می دهد.

ماده ۲۰۶

اگر مردی در جریان یک درگیری بدون قصد قبلی به دیگری

آسیب وارد کند، باید هزینه درمان او را بپردازد.

قانون میان آسیب عمدی و غیر عمدی تفاوت قائل می شود.

ماده ۲۰۷

اگر فرد آسیب دیده بر اثر همان جراحت جان خود را از

دست بدهد، دادگاه با توجه به شرایط پرونده درباره مجازات

تصمیم خواهد گرفت.

نتیجه نهایی عمل نیز در تعیین حکم اهمیت داشت.

ماده ۲۰۸

اگر قربانی از طبقه پایین جامعه باشد، میزان غرامت مطابق جایگاه اجتماعی او تعیین می شود.

این ماده نیز بازتاب ساختار طبقاتی جامعه بابل است.

ماده ۲۰۹

اگر مردی باعث شود زن بارداری جنین خود را از دست بدهد، موظف است غرامت مالی تعیین شده را به شوهر او بپردازد.

قانون از امنیت خانواده و فرزند حمایت می کرد.

ماده ۲۱۰

اگر همان زن بر اثر آسیب وارد شده جان خود را از دست بدهد، مجازات بسیار سنگین تری برای عامل جرم در نظر گرفته خواهد شد.

در این بخش، ارزش جان انسان جایگاه ویژه ای دارد.

ماده ۲۱۱

اگر قربانی از طبقه اجتماعی پایین تر باشد، میزان غرامت متناسب با قوانین همان طبقه تعیین می شود.

قانون برای هر طبقه مقررات متفاوتی در نظر گرفته بود.

ماده ۲۱۲

اگر برده ای در نتیجه همان آسیب جان خود را از دست بدهد، فرد خاطی باید ارزش کامل او را به مالکش پرداخت کند.

در اینجا نیز برده بیشتر به عنوان دارایی اقتصادی شناخته می شود.

ماده ۲۱۳

اگر پزشک با استفاده از چاقوی جراحی، مرد آزادی را با موفقیت درمان کند، دستمزد مشخصی دریافت خواهد کرد.

این ماده یکی از نخستین نمونه های تعیین تعرفه رسمی خدمات پزشکی در تاریخ است.

ماده ۲۱۴

اگر بیمار از طبقه پایین جامعه باشد، دستمزد پزشک کمتر خواهد بود.

میزان پرداخت نیز بر اساس جایگاه اجتماعی افراد تعیین می شد.

ماده ۲۱۵

اگر پزشک برده ای را درمان کند، دستمزد او توسط مالک برده پرداخت خواهد شد.

قانون حتی روابط مالی میان پزشک و صاحبان بردگان را نیز مشخص کرده است.

ماده ۲۱۶

اگر پزشک با انجام عمل جراحی باعث مرگ مرد آزادی شود یا چشم او را نابینا کند، دست او قطع خواهد شد.

این ماده یکی از مشهورترین قوانین مربوط به مسئولیت پزشکان در جهان باستان است.

ماده ۲۱۷

اگر همان خطا درباره برده ای رخ دهد، پزشک موظف است ارزش برده را به مالک او بپردازد.

نوع مجازات همچنان به جایگاه اجتماعی بیمار وابسته است.

ماده ۲۱۸

اگر دامپزشک حیوان بیماری را درمان کند و موفق شود، دستمزد مشخصی دریافت خواهد کرد.

قانون تنها به انسان ها محدود نمی شود و اقتصاد دامداری را نیز در بر می گیرد.

ماده ۲۱۹

اگر دامپزشک در اثر بی احتیاطی موجب مرگ حیوان شود، باید خسارت مالک را جبران کند.

مسئولیت حرفه ای درباره حیوانات نیز اجرا می شد.

ماده ۲۲۰

اگر جراح برده ای را درمان کند و او بهبود یابد، دستمزد او کمتر از درمان مرد آزاد خواهد بود.

این تفاوت نیز ناشی از ساختار طبقاتی جامعه است.

ماده ۲۲۱

اگر پزشک استخوان شکسته یا عضوی آسیب دیده را با موفقیت درمان کند، دستمزد قانونی خود را دریافت خواهد کرد.

قانون برای انواع خدمات پزشکی مقررات جداگانه ای تعیین کرده بود.

ماده ۲۲۲

اگر معمار خانه ای برای فردی بسازد، باید در برابر کیفیت ساخت آن مسئول باشد.

این ماده آغاز مجموعه قوانین مربوط به مسئولیت مهندسان و سازندگان است.

ماده ۲۲۳

اگر ساختمان به دلیل ضعف ساخت دچار آسیب شود، معمار موظف به تعمیر آن با هزینه شخصی خود خواهد بود.

قانون کیفیت ساخت را وظیفه مستقیم سازنده می داند.

ماده ۲۲۴

اگر خانه فرو بریزد و موجب خسارت مالی شود، معمار باید زیان وارد شده را جبران کند.

مسئولیت سازنده تنها با پایان ساخت بنا خاتمه نمی یافت.

ماده ۲۲۵

اگر معمار ساختمانی را به گونه ای بنا کند که بخشی از آن فرو بریزد، موظف است آن قسمت را دوباره و بدون دریافت هزینه بازسازی کند.

این ماده نشان می دهد که حمورابی کیفیت ساخت و ایمنی ساختمان ها را از وظایف اصلی سازندگان می دانست و آنان را تا پایان کار در برابر نتیجه عملکرد خود مسئول می شناخت.

مواد دویست و یک تا دویست و بیست و پنج یکی از پیشرفته ترین بخش های قانون نامه حمورابی را تشکیل می دهند. در این بخش برای نخستین بار در تاریخ، مسئولیت حرفه ای پزشکان، جراحان، دامپزشکان و معماران به صورت قانونی

تعریف شده است.

حمورابی به خوبی می دانست که تخصص بدون مسئولیت می تواند جان انسان ها و ثروت جامعه را به خطر بیندازد، به همین دلیل میان مهارت، پاداش و پاسخگویی رابطه ای مستقیم برقرار کرد.

هرچند برخی مجازات های این بخش از دیدگاه امروز بسیار سختگیرانه به نظر می رسند، اما اصل مسئولیت حرفه ای که در این قوانین دیده می شود، همچنان یکی از پایه های نظام های حقوقی مدرن به شمار می رود.

مواد ۲۲۶ تا ۲۵۰ قانون نامه حمورابی

هرچه جامعه بابل بزرگ تر و پیشرفته تر می شد، روابط اقتصادی نیز پیچیده تر می گردید.

کشاورزی، دامداری، حمل و نقل رودخانه ای و ساخت کشتی از مهم ترین پایه های اقتصاد امپراتوری بودند.

در کنار آن ها، صنعتگران، چوپانان، صاحبان دام و کارگران روزانه نیز بخش بزرگی از زندگی مردم را تشکیل می دادند.

حمورابی به خوبی می دانست که اگر برای این فعالیت ها قوانین مشخصی وجود نداشته باشد، اختلاف های فراوانی میان مردم ایجاد خواهد شد و امنیت اقتصادی کشور آسیب خواهد دید.

به همین دلیل، مواد دویست و بیست و شش تا دویست و پنجاه قانون نامه به مسئولیت صنعتگران، سازندگان کشتی، اجاره حیوانات، نگهداری دام و خسارت های ناشی از بی احتیاطی اختصاص یافته است.

این قوانین نشان می دهند که قانون نامه حمورابی تنها برای دادگاه ها نوشته نشده بود، بلکه تقریباً تمام جنبه های زندگی روزمره مردم را در بر می گرفت.

ماده ۲۲۶

اگر آرایشگر بدون اجازه صاحب برده، نشانه بردگی او را از بین ببرد، دست او قطع خواهد شد.

در جامعه بابل، نشانه بردگی وضعیت حقوقی بردگان را مشخص می کرد و تغییر آن نوعی جعل هویت محسوب می شد.

ماده ۲۲۷

اگر شخصی آرایشگر را برای حذف غیر قانونی نشانه بردگی فریب دهد، همان فرد به مرگ محکوم خواهد شد.

قانون نه تنها مجری عمل، بلکه آمر آن را نیز مسئول می دانست.

ماده ۲۲۸

اگر معمار خانه ای برای فردی بسازد، دستمزد او بر اساس اندازه و ارزش ساختمان تعیین خواهد شد.

حمورابی برای فعالیت های عمرانی نیز مقررات مالی مشخصی وضع کرده بود.

ماده ۲۲۹

اگر معمار خانه ای بسازد و آن ساختمان بر اثر ضعف ساخت
فرو بریزد و صاحب خانه کشته شود، معمار به مرگ محکوم
خواهد شد.

این ماده یکی از مشهورترین قوانین مربوط به مسئولیت
مهندسان در تاریخ جهان است و نشان می دهد که جان انسان
ها بالاترین ارزش را داشته است.

ماده ۲۳۰

اگر در اثر فروریختن خانه، فرزند صاحب خانه جان خود را
از دست بدهد، فرزند معمار نیز کشته خواهد شد.
این ماده بازتاب اصل مقابله به مثل در جامعه بابل است.

ماده ۲۳۱

اگر برده صاحب خانه بر اثر فروریختن ساختمان جان خود را از دست بدهد، معمار موظف است برده دیگری با همان ارزش در اختیار مالک قرار دهد.

در اینجا نیز جایگاه اجتماعی افراد بر نوع مجازات تأثیر می گذارد.

ماده ۲۳۲

اگر فروریختن ساختمان تنها موجب از بین رفتن اموال شود، معمار باید همه خسارت های مالی را جبران کند و خانه را دوباره با هزینه خود بسازد.

قانون میان خسارت جانی و خسارت مالی تفاوت قائل می شود.

ماده ۲۳۳

اگر معمار دیواری را به درستی نسازد و همان دیوار فرو بریزد، موظف است بدون دریافت هزینه آن را دوباره احداث کند.

کیفیت کار مسئولیت مستقیم سازنده بود.

ماده ۲۳۴

اگر کشتی سازی، کشتی بزرگی برای مشتری بسازد، دستمزد او مطابق اندازه کشتی تعیین خواهد شد.

صنعت کشتی سازی برای تجارت رودخانه ای بابل اهمیت فراوانی داشت.

ماده ۲۳۵

اگر کشتی ساز به دلیل بی دقتی کشتی نامناسبی بسازد و آن کشتی در همان سال آسیب ببیند، موظف است آن را با هزینه شخصی تعمیر کند.

قانون کیفیت ساخت کشتی را نیز تضمین می کرد.

ماده ۲۳۶

اگر فردی کشتی خود را برای حمل کالا اجاره دهد، مسئولیت هر طرف مطابق قرارداد مشخص خواهد شد.
ثبت قرارداد در حمل و نقل نیز اهمیت داشت.

ماده ۲۳۷

اگر کشتی بر اثر بی احتیاطی ناخدا آسیب ببیند، ناخدا موظف به جبران خسارت خواهد بود.

مهارت بدون مسئولیت از دید قانون ارزشی نداشت.

ماده ۲۳۸

اگر ناخدا کشتی را غرق کند اما بتواند آن را از آب بیرون
بیاورد، باید نیمی از ارزش کشتی را به مالک بپردازد.
قانون میزان مسئولیت را متناسب با خسارت تعیین می کرد.

ماده ۲۳۹

اگر فردی کشتی را اجاره کند، باید اجاره تعیین شده را به
مالک پرداخت نماید.

قانون از حقوق صاحبان کشتی نیز حمایت می کرد.

ماده ۲۴۰

اگر دو کشتی با یکدیگر برخورد کنند و یکی از آن ها مقصر باشد، مالک کشتی مقصر باید همه خسارت های وارد شده را جبران کند.

این ماده از نخستین قوانین شناخته شده درباره مسئولیت در حوادث دریایی و رودخانه ای به شمار می رود.

ماده ۲۴۱

اگر فردی گاو متعلق به دیگری را بدون اجازه برای انجام کار به خدمت بگیرد، باید غرامت قانونی بپردازد.

مالکیت خصوصی حتی درباره حیوانات نیز مورد حمایت قانون بود.

ماده ۲۴۲

اگر فردی گاوی را برای مدت یک سال اجاره کند، میزان اجاره مطابق قانون تعیین خواهد شد.

حمورابی برای اجاره دام نیز مقررات روشنی تدوین کرده بود.

ماده ۲۴۳

اگر گاو اجاره ای در اثر بی احتیاطی مستاجر تلف شود، او باید گاوی هم ارزش آن به مالک تحویل دهد.

استفاده از دارایی دیگران همواره با مسئولیت همراه بود.

ماده ۲۴۴

اگر گاو بر اثر حمله شیر یا حادثه ای خارج از اختیار انسان از بین برود، مستاجر مسئول شناخته نمی شود.

قانون میان تقصیر انسان و حوادث طبیعی تفاوت قائل می شد.

ماده ۲۴۵

اگر مستاجر بر اثر ضرب و شتم یا بدرفتاری باعث مرگ

گاو شود، موظف است خسارت کامل را بپردازد.

رفتار نادرست با حیوانات نیز پیامد قانونی داشت.

ماده ۲۴۶

اگر فردی گاوی را برای خرمن کوبی اجاره کند، دستمزد آن

مطابق نرخ قانونی محاسبه خواهد شد.

این ماده از اختلاف میان کشاورزان و صاحبان دام جلوگیری

می کرد.

ماده ۲۴۷

اگر حیوان در زمان انجام کار آسیب ببیند و علت آن کوتاهی مستاجر باشد، او مسئول جبران خسارت خواهد بود.
مسئولیت نگهداری از حیوان بر عهده استفاده کننده بود.

ماده ۲۴۸

اگر گاو در اثر بیماری طبیعی یا حادثه ای غیر قابل پیش بینی تلف شود، مستاجر مسئولیتی نخواهد داشت.
قانون همچنان اصل تقصیر را ملاک قرار می دهد.

ماده ۲۴۹

اگر فردی حیوانی را اجاره کند و آن حیوان به طور طبیعی بمیرد، مستاجر باید تنها سوگند یاد کند که در مرگ آن نقشی نداشته است.

در نبود مدرک، سوگند همچنان یکی از ابزارهای اثبات در نظام قضایی بابل بود.

ماده ۲۵۰

اگر گاوی در حال عبور از خیابان یا مزرعه به فردی شاخ بزند و او را بکشد، مالک گاو در صورتی که پیش تر از خطرناک بودن حیوان آگاه نبوده باشد، مسئولیتی نخواهد داشت.

این ماده یکی از نخستین نمونه های قوانین مربوط به مسئولیت مدنی در برابر حوادث غیر عمدی محسوب می شود و نشان می دهد که حمورابی برای تشخیص تقصیر، به شرایط وقوع حادثه نیز توجه داشته است.

مواد دویست و بیست و شش تا دویست و پنجاه تصویری روشن از جامعه ای ارائه می دهند که در آن هر حرفه، هر

قرارداد و هر دارایی دارای جایگاه قانونی مشخصی بود. از معمار و کشتی ساز گرفته تا چوپان، کشاورز و صاحب دام، همه در برابر نتیجه کار خود مسئول شناخته می شدند. حمورابی باور داشت که ثبات یک امپراتوری تنها با قدرت نظامی حفظ نمی شود، بلکه زمانی پایدار خواهد ماند که هر فرد بداند در برابر قانون پاسخگوی رفتار خود است. همین نگاه، قانون نامه او را به یکی از کامل ترین و تاثیرگذارترین مجموعه های حقوقی جهان باستان تبدیل کرد.

مواد ۲۵۱ تا ۲۸۲ قانون نامه حمورابی

اکنون به آخرین بخش قانون نامه حمورابی رسیده ایم.

پس از بررسی بیش از دویست و پنجاه ماده، روشن می شود که این مجموعه تنها فهرستی از مجازات ها نبود، بلکه تلاشی بزرگ برای سامان دادن به تمام جنبه های زندگی مردم بابل به شمار می رفت.

از روابط خانوادگی و تجارت گرفته تا کشاورزی، پزشکی، معماری، دامداری و اداره حکومت، تقریباً هیچ موضوع مهمی از نگاه قانون گذار پنهان نمانده بود.

مواد دویست و پنجاه و یک تا دویست و هشتاد و دو، واپسین قوانین این مجموعه هستند و بیشتر به مسئولیت صاحبان دام، اجاره حیوانات، دستمزد کارگران، حقوق بردگان و مقررات

مربوط به استخدام و کار اختصاص دارند.

این قوانین، تصویری کامل از اقتصاد و ساختار اجتماعی بابل در دوران حمورابی ارائه می دهند.

ماده ۲۵۱

اگر گاو که پیش از این به خطرناک بودن آن شهرت داشته، فردی را بکشد و مالک با وجود آگاهی، برای مهار آن اقدامی نکرده باشد، موظف است غرامت تعیین شده را بپردازد.

قانون در اینجا مسئولیت را بر پایه آگاهی مالک از خطر تعیین می کند.

ماده ۲۵۲

اگر قربانی برده باشد، مالک گاو باید مبلغ تعیین شده را به صاحب آن برده پرداخت کند.

جایگاه اجتماعی افراد همچنان در تعیین میزان خسارت
تأثیرگذار است.

ماده ۲۵۳

اگر فردی برای اداره مزرعه خود کارگری استخدام کند،
موظف است دستمزد توافق شده را در پایان کار بپردازد.
قانون از حقوق کارگران نیز حمایت می کرد.

ماده ۲۵۴

اگر کارگر وظایف خود را به درستی انجام ندهد و موجب
خسارت شود، مسئول جبران زیان خواهد بود.
دستمزد همواره با مسئولیت همراه است.

ماده ۲۵۵

اگر چوپانی برای نگهداری گله استخدام شود، موظف است از دام ها همان گونه مراقبت کند که از دارایی خود مراقبت می کند.

اعتماد میان صاحب دام و چوپان پایه این قرارداد بود.

ماده ۲۵۶

اگر چوپان بر اثر سهل انگاری باعث نابودی یا گم شدن دام ها شود، باید خسارت کامل را بپردازد.

بی احتیاطی در انجام وظیفه بدون پاسخ نمی ماند.

ماده ۲۵۷

دستمزد سالانه کارگران کشاورزی مطابق نرخ تعیین شده در قانون پرداخت خواهد شد.

حمورابی حتی میزان پرداخت به کارگران را نیز مشخص کرده بود.

ماده ۲۵۸

دستمزد چوپانان نیز بر اساس تعداد دام ها و مدت خدمت تعیین می شد.

این قانون از اختلاف میان کارفرما و کارگر جلوگیری می کرد.

ماده ۲۵۹

اگر فردی برای انجام کار از گاو یا الاغ اجاره ای استفاده کند، موظف است اجاره مقرر را بپردازد.

قانون از حقوق صاحبان حیوانات حمایت می کرد.

ماده ۲۶۰

اگر شخصی ابزار کشاورزی متعلق به دیگری را از بین ببرد، باید نمونه مشابه آن را جایگزین کند یا ارزش آن را بپردازد.

حفظ ابزار تولید برای اقتصاد بابل اهمیت فراوانی داشت.

ماده ۲۶۱

اگر چوپانی گله را سالم به صاحبش بازگرداند، مستحق دریافت دستمزد کامل خواهد بود.

قانون از انجام درست وظایف نیز حمایت می کرد.

ماده ۲۶۲

اگر چوپان بخشی از دام ها را پنهان کند یا به فروش برساند،
موظف به جبران خسارت و تحمل مجازات قانونی خواهد
بود.

خیانت در امانت یکی از جرایم مهم اقتصادی محسوب می
شد.

ماده ۲۶۳

اگر چوپان بر اثر کوتاهی موجب پراکنده شدن گله شود،
مسئول همه زیان های وارد شده خواهد بود.

مسئولیت نگهداری از دام کاملاً بر عهده او قرار داشت.

ماده ۲۶۴

اگر دام ها بر اثر بیماری یا حمله حیوانات وحشی از بین بروند و چوپان کوتاهی نکرده باشد، مسئولیتی متوجه او نخواهد بود.

قانون میان تقصیر انسان و حوادث طبیعی تفاوت قائل می شود.

ماده ۲۶۵

اگر چوپان برای سود شخصی دام های صاحب خود را بفروشد، باید چند برابر ارزش آن ها را جبران کند.
اعتماد اقتصادی پایه روابط کاری بود.

ماده ۲۶۶

اگر بیماری طبیعی موجب مرگ دام ها شود، زیان بر عهده مالک خواهد بود.

همه خسارت ها ناشی از تقصیر انسان نیستند.

ماده ۲۶۷

اگر چوپان وقوع بیماری را پنهان کند و همین امر موجب گسترش آن شود، مسئول همه خسارت ها خواهد بود.

قانون بر صداقت و گزارش به موقع تأکید دارد.

ماده ۲۶۸

اگر فردی گاوی را برای شخم زدن اجاره کند، باید مبلغ قانونی اجاره را بپردازد.

کشاورزی یکی از ارکان اصلی اقتصاد بابل بود.

ماده ۲۶۹

اگر الاغ یا حیوان بارکش اجاره شود، نرخ اجاره مطابق قانون تعیین خواهد شد.

برای انواع حیوانات مقررات جداگانه وجود داشت.

ماده ۲۷۰

اگر فردی ارابه یا وسیله حمل و نقل اجاره کند، موظف است اجاره آن را طبق قرارداد بپردازد.

حمل و نقل نیز بخشی از نظام اقتصادی قانون نامه بود.

ماده ۲۷۱

اگر شخصی حیوان یا وسیله اجاره شده را سالم بازگرداند، هیچ ادعای دیگری علیه او پذیرفته نخواهد شد.

اجرای صحیح قرارداد موجب پایان مسئولیت خواهد بود.

ماده ۲۷۲

دستمزد کارگران روزمزد بر اساس نوع کار و مدت خدمت تعیین می شود.

حمورابی تلاش می کرد از بهره کشی نیروی کار جلوگیری کند.

ماده ۲۷۳

برای صنعتگران ماهر نیز نرخ مشخصی از دستمزد تعیین شده بود.

مهارت بیشتر، دستمزد بالاتری به همراه داشت.

ماده ۲۷۴

نجاران، آهنگران، سنگ تراشان، سفالگران و دیگر استادکاران، مطابق قانون دستمزد معینی دریافت می کردند.

این ماده نشان دهنده تنوع حرفه ها در جامعه بابل است.

ماده ۲۷۵

اگر فردی حیوانی را برای مدت کوتاه اجاره کند، مبلغ پرداختی متناسب با مدت استفاده خواهد بود.

قانون از انصاف در قراردادهای کوتاه مدت حمایت می کرد.

ماده ۲۷۶

اجاره کشتی نیز بر اساس اندازه کشتی و مدت استفاده محاسبه می شد.

حمل و نقل رودخانه ای همچنان جایگاه مهمی در اقتصاد بابل داشت.

ماده ۲۷۷

برای کرایه کشتی های بزرگ تجاری، نرخ جداگانه ای تعیین شده بود.

قانون به تفاوت ارزش وسایل حمل و نقل توجه داشت.

ماده ۲۷۸

اگر فردی برده ای را خریداری کند و پیش از گذشت یک ماه مشخص شود که برده بیمار یا دارای نقص پنهان بوده است، می تواند او را به فروشنده بازگرداند.

این ماده از نخستین نمونه های حمایت از خریدار در معاملات به شمار می رود.

ماده ۲۷۹

اگر پس از خرید برده، شخص دیگری ادعای مالکیت او را مطرح کند، فروشنده موظف است پاسخگوی دادگاه باشد.

قانون از خریدار با حسن نیت حمایت می کرد.

ماده ۲۸۰

اگر برده ای از سرزمین دیگری خریداری شده باشد و بعداً مالک اصلی او پیدا شود، دادگاه درباره مالکیت قانونی تصمیم خواهد گرفت.

قانون از معاملات غیر قانونی جلوگیری می کرد.

ماده ۲۸۱

اگر فروشنده درباره وضعیت واقعی برده دروغ گفته باشد، معامله قابل فسخ خواهد بود و خسارت خریدار نیز باید جبران شود.

صداقت در معاملات از اصول بنیادین قانون نامه بود.

ماده ۲۸۲

اگر برده ای به صاحب خود بگوید که دیگر او را به عنوان مالک نمی پذیرد و این موضوع در دادگاه ثابت شود، صاحب برده حق خواهد داشت گوش او را ببرد.

این ماده آخرین قانون قانون نامه حمورابی است و نشان دهنده جایگاه بردگان در ساختار اجتماعی بابل است.

هرچند این قانون از دیدگاه امروز بسیار سختگیرانه و غیر انسانی به نظر می رسد، اما بازتاب دهنده نظام اجتماعی و

حقوقی جهان باستان است؛ جهانی که در آن برده داری بخش جدایی ناپذیر اقتصاد و جامعه محسوب می شد.

مواد دویست و پنجاه و یک تا دویست و هشتاد و دو، آخرین قطعه از یکی از بزرگ ترین آثار حقوقی تاریخ بشر را تشکیل می دهند.

در این بخش نیز همان اصولی دیده می شوند که از نخستین ماده قانون نامه وجود داشتند، یعنی مسئولیت پذیری، احترام به قراردادها، حمایت از مالکیت، تعیین دستمزد، جبران خسارت و حفظ نظم اجتماعی.

حمورابی باور داشت که عدالت تنها زمانی برقرار می شود که هر فرد، صرف نظر از جایگاه خود، وظایف و مسئولیت های مشخصی در برابر جامعه داشته باشد.

• نتیجه گیری

با پایان ماده دویست و هشتاد و دو، یکی از مهم ترین اسناد تاریخ تمدن بشر نیز به پایان می رسد.

قانون نامه حمورابی تنها مجموعه ای از قوانین باستانی نیست، بلکه سندی ارزشمند از شیوه اندیشیدن انسان در نخستین دولت های بزرگ جهان است.

این اثر نشان می دهد که چهار هزار سال پیش نیز انسان ها با بسیاری از همان مسائلی روبه رو بودند که امروز نیز در جوامع مختلف وجود دارند، مسائلی مانند اختلاف های خانوادگی، مالکیت، تجارت، قرارداد، مسئولیت حرفه ای، عدالت، مجازات، حقوق کارگران و امنیت اجتماعی.

اگرچه بسیاری از مجازات های این قانون نامه از نگاه دنیای امروز بسیار سختگیرانه و گاه غیر قابل پذیرش هستند، اما نباید آن را با معیارهای حقوقی قرن بیست و یکم قضاوت کرد.

حمورابی در عصری زندگی می کرد که حکومت ها برای حفظ نظم در سرزمینی پهناور، ناچار بودند قوانینی روشن و بازدارنده وضع کنند.

هدف اصلی او ایجاد جامعه ای بود که در آن هر فرد بداند در برابر قانون، خانواده، همسایگان و حکومت چه مسئولیتی بر عهده دارد.

میراث واقعی حمورابی، تنها در اصل مشهور «چشم در برابر چشم» خلاصه نمی شود.

اهمیت او در این است که برای نخستین بار قوانین را به صورت رسمی گردآوری کرد، آن ها را در معرض دید

همگان قرار داد و اعلام کرد که حتی پادشاه نیز حکومت خود را بر پایه قانون اداره می کند.

همین اندیشه، بعدها الهام بخش بسیاری از نظام های حقوقی در خاور نزدیک، یونان، روم و در نهایت جهان مدرن شد.

امروز، ستون سنگی قانون نامه حمورابی پس از نزدیک به چهار هزار سال همچنان پابرجاست و نه تنها یادگاری از تمدن بابل، بلکه نمادی از تلاش همیشگی بشر برای یافتن عدالت، نظم و حکومت قانون به شمار می رود.

نام حمورابی نیز به همین دلیل، نه تنها در تاریخ بین النهرین، بلکه در تاریخ حقوق جهان برای همیشه جاودانه شده است.

میراث حمورابی در جهان امروز

تأثیر حمورابی با مرگ او پایان نیافت.

اگرچه امپراتوری بابل در قرن های بعد بارها دستخوش جنگ، اشغال و تغییر حکومت شد، اما اندیشه قانون نویسی که او پایه گذاری کرد، در حافظه تمدن بشری باقی ماند.

پژوهشگران تاریخ حقوق بر این باورند که قانون نامه حمورابی یکی از نخستین گام های بزرگ انسان برای تبدیل قدرت شخصی به حکومتی مبتنی بر قانون بود.

از آن پس، بسیاری از تمدن های خاور نزدیک، از آشوریان و بابلیان متاخر گرفته تا هیتی ها و حتی برخی سنت های حقوقی سرزمین های پیرامون، از شیوه تدوین قوانین مکتوب الهام گرفتند.

در دوران باستان، بیشتر فرمانروایان احکام خود را به صورت شفاهی یا بر اساس تصمیم های لحظه ای صادر می کردند، اما حمورابی قوانین را بر سنگ حک کرد تا همه مردم بتوانند از آن ها آگاه شوند.

همین اقدام، مفهوم شفافیت قانونی را به وجود آورد.

مردم می دانستند که برای هر رفتار، چه پاداش یا مجازاتی در انتظار آنان است و قاضی نیز موظف بود بر اساس قانون حکم صادر کند، نه صرفاً بر پایه خواست شخصی یا نفوذ صاحبان قدرت.

این اندیشه، یکی از مهم ترین پایه های شکل گیری حکومت قانون در تاریخ بشر به شمار می رود.

در سده های اخیر، قانون نامه حمورابی بار دیگر مورد توجه دانشمندان قرار گرفت.

پس از کشف ستون سنگی آن در آغاز قرن بیستم،
پژوهشگران دریافتند که بسیاری از مفاهیمی که امروزه
بدیهی به نظر می‌رسند، مانند مسئولیت حرفه‌ای، اعتبار
قراردادها، حمایت از مالکیت، تعیین دستمزد، جبران خسارت
و پاسخگویی صاحبان مشاغل، ریشه‌هایی بسیار کهن در
تمدن بابل دارند.

اگرچه شیوه اجرای این قوانین با استانداردهای امروز تفاوت
فراوانی دارد، اما اصل وجود مقررات مشخص برای اداره
جامعه، همچنان یکی از مهم‌ترین پایه‌های نظام‌های حقوقی
جهان محسوب می‌شود.

امروزه نسخه اصلی ستون قانون نامه حمورابی در موزه
لوور فرانسه نگهداری می‌شود و هر سال هزاران
پژوهشگر، دانشجو و علاقه‌مند به تاریخ برای مشاهده آن به
این موزه مراجعه می‌کنند.

تصویر حمورابی در بسیاری از دانشکده های حقوق، کتاب های تاریخ و آثار آموزشی جهان دیده می شود و نام او همواره در کنار بزرگ ترین قانون گذاران تاریخ، مانند سولون، ژوستینین و دیگر بنیان گذاران نظام های حقوقی قرار می گیرد.

این جایگاه، نشان دهنده تاثیر عمیق اندیشه او بر تاریخ تمدن انسانی است.

شاید مهم ترین میراث حمورابی، خود قانون نامه او نباشد، بلکه این اندیشه باشد که هیچ جامعه ای بدون وجود قوانینی روشن، مسئولیت پذیری شهروندان و پاسخگویی صاحبان قدرت نمی تواند به ثبات و پیشرفت دست یابد.

این اصل، پس از گذشت نزدیک به چهار هزار سال، همچنان یکی از بنیادی ترین ارزش های جوامع مدرن به شمار می رود و به همین دلیل است که نام حمورابی هنوز در تاریخ جهان زنده مانده است.

با پایان این مقاله، سفر ما در یکی از مهم ترین دوره های تاریخ تمدن بشر نیز به پایان می رسد.

سفری که از میان رودان باستان آغاز شد، از خیابان های بابل، کاخ های سلطنتی، معابد باشکوه، بازارهای پر رونق و زمین های حاصلخیز عبور کرد و ما را با یکی از تاثیرگذارترین فرمانروایان تاریخ آشنا ساخت.

حمورابی تنها پادشاهی فاتح نبود، بلکه مردی بود که دریافت قدرت واقعی یک امپراتوری نه در شمار سربازان، بلکه در وجود قانونی نهفته است که همه افراد جامعه آن را بشناسند و به آن احترام بگذارند.

در طول این مقاله، زندگی حمورابی را از دوران کودکی و به قدرت رسیدن او تا فتح شهرهای میان رودان، ایجاد نخستین امپراتوری بزرگ بابل و تدوین قانون نامه مشهورش دنبال کردیم.

همچنین تمامی دویست و هشتاد و دو ماده قانون نامه را به ترتیب بررسی کردیم و دیدیم که چگونه این قوانین تقریباً تمام جنبه های زندگی مردم را در بر می گرفتند.

از ازدواج و خانواده گرفته تا تجارت، کشاورزی، معماری، پزشکی، برده داری، ارث، مسئولیت حرفه ای، دستمزد کارگران، مالکیت، قراردادهای و مجازات ها، همه در این مجموعه جای داشتند.

چنین گستردگی موضوعات نشان می دهد که حمورابی تنها به دنبال مجازات مجرمان نبود، بلکه می خواست چارچوبی واحد برای اداره جامعه ایجاد کند.

بررسی این قوانین، تصویری روشن از جهان باستان در برابر ما قرار می دهد.

جامعه ای که در آن مذهب، حکومت، اقتصاد و خانواده به شدت در هم تنیده بودند و قانون نقش ستون اصلی این ساختار را ایفا می کرد.

هرچند بسیاری از مجازات های قانون نامه امروز بسیار سختگیرانه یا حتی غیر انسانی به نظر می رسند، اما نباید فراموش کرد که این قوانین متعلق به نزدیک چهار هزار سال پیش هستند.

در آن دوران، وجود مجموعه ای مدون از قوانین که برای همه شناخته شده باشد، خود گامی بزرگ در مسیر شکل گیری حکومت قانون به شمار می رفت.

یکی از مهم ترین ویژگی های حمورابی آن بود که قانون را به ابزاری برای تثبیت حکومت تبدیل کرد.

او می دانست که اگر مردم بدانند در برابر هر عمل چه پیامدی در انتظارشان است، امنیت و نظم بیشتری در جامعه برقرار خواهد شد.

به همین دلیل، قانون نامه او تنها برای اشراف یا مقام های حکومتی نوشته نشده بود، بلکه کشاورزان، بازرگانان، صنعتگران، پزشکان، معماران، کارگران، زنان، فرزندان و حتی بردگان نیز در آن جایگاه مشخصی داشتند.

همین نگاه جامع، قانون نامه حمورابی را از بسیاری از قوانین هم عصر خود متمایز می کند.

تاثیر حمورابی تنها به دوران زندگی او محدود نماند.

پس از مرگش، دولت بابل فراز و نشیب های بسیاری را تجربه کرد، اما اندیشه قانون گذاری که او بنیان نهاد، قرن ها در میان تمدن های خاور نزدیک باقی ماند.

بسیاری از پژوهشگران بر این باورند که برخی اصول حقوقی تمدن های آشوری، هیتی، عبری، یونانی و حتی رومی، به صورت مستقیم یا غیر مستقیم از سنت های حقوقی میان رودان تاثیر پذیرفته اند.

از همین رو، نام حمورابی امروزه نه تنها در تاریخ بابل، بلکه در تاریخ حقوق جهان نیز جایگاهی ویژه دارد.

ستون سنگی قانون نامه که امروزه در موزه لوور نگهداری می شود، تنها یک اثر باستانی نیست.

آن ستون، یادآور یکی از نخستین تلاش های بشر برای جایگزین کردن قانون به جای تصمیم های شخصی و سلیقه ای است.

هر خطی که بر روی آن حک شده، روایتگر جامعه ای است که می کوشید میان قدرت، عدالت و نظم تعادل برقرار کند. شاید بسیاری از قوانین آن دیگر کاربردی نداشته باشند، اما اندیشه ای که در پس آن نهفته است، یعنی ضرورت وجود قانون برای حفظ جامعه، همچنان یکی از مهم ترین پایه های تمدن انسانی به شمار می رود.

امروز، پس از گذشت نزدیک به چهار هزار سال، حمورابی همچنان یکی از شناخته شده ترین فرمانروایان جهان باستان است.

نه فقط به دلیل فتوحات نظامی یا گسترش قلمرو بابل، بلکه به این دلیل که نام او با یکی از نخستین و کامل ترین قانون نامه های تاریخ بشر پیوند خورده است.

میراث واقعی او، نه کاخ هایی است که روزی در بابل ساخته شدند و نه سرزمین هایی که فتح کرد، بلکه اندیشه ای است که بر پایه آن، هیچ جامعه ای بدون قانون، عدالت و مسئولیت پذیری نمی تواند به ثبات و شکوفایی دست یابد.

این همان میراثی است که سبب شده است نام حمورابی، پس از هزاران سال، همچنان در کنار بزرگ ترین قانون گذاران و بنیان گذاران تمدن انسانی زنده بماند.